

زیست بزهکارانه: مطالعه کیفی زمینه‌های شکل‌گیری بزهکاری در نوجوانان محلات کم‌برخوردار شهر خرم‌آباد

مجتبی ترکارانی*، الهام مرادی نژاد**، امین روشن‌پور***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۸

چکیده

با توجه به غلبه رویکرد عینیت یافته خرد بر تحقیقات مربوط به بزهکاری و سرزنش قربانیان در این مطالعات، ضرورت نگاهی از دریچه فرد قربانی و فهم درون کاوانه از شرایط، علل و مکانیسم‌های مولد بزهکاری در محلات کم‌برخوردار باعث شد که به دنبال فهم و شناخت زیست بزهکارانه و مکانیسم‌های حاکم بر آن باشیم. این مطالعه بر آن است تا با رویکردی کیفی و با تکیه بر تجربیات زیسته و دنیای تفسیری نوجوانان مددجو، روایت آنها را از علل و شرایط و مکانیسم‌های فرهنگی و اجتماعی سوق‌دهنده به سمت بزهکاری کشف نماید. در این مسیر از رویکردهای کنش متقابل نمادین و برساخت‌گرایی اجتماعی به عنوان چارچوب مفهومی استفاده شده است. در این پژوهش از روش کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای^۱ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را ۳۰ نفر از نوجوانان مناطق حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد که در کانون اصلاح و تربیت این شهر در سال ۹۹-۱۳۹۸ حضور داشتند تشکیل می‌دهند. یافته‌های تحقیق به کمک تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته گردآوری گردید و برای تحلیل داده‌ها نیز از رویکرد مدل پارادایمی اشتروس و کوربین استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد؛ زیست حاشیه‌ای، بستر ناتوان اقتصادی، محیط تنش‌زای خانواده، سبک تربیتی غافل و بی‌توجه زمینه‌های وقوع بزهکاری؛ ترک تحصیل، طردشدگی در محیط خانواده، تجربه زندگی مجرمانه، غلبه خرده‌فرهنگ لاتی و اوباشی‌گری علل به وجود آمدن این پدیده؛ مواردی مانند بزهکاری وسیله‌ای برای برآورده کردن نیاز، هم‌نوایی با فشار دوستان بزهکار، کسب هویت با ارزش و داشتن یک سپر دفاعی در بین نوجوانان به عنوان راهبردها و استراتژی‌ها مولد بزهکاری و کسب پیامدهای فردی و خانوادگی و اجتماعی از جمله: کسب پرچسب بزهکار در بین مردم، تضعیف اعتبار خانواده، عادی شدن بزهکاری در جامعه، افزایش طرد اجتماعی و بدنام شدن محله و کسب برند منفی برای محله سکونت خود از جمله این موارد هستند. در پایان مفهوم "زیست بزهکارانه راهی برای بقاء" به عنوان مقوله هسته‌ای این تحقیق انتخاب گردید. نهایت کلام اینکه تا شرایط و راهبردها و پیامدهای بزهکاری به صورت هم‌زمان در نظر گرفته نشوند بزهکاری همچنان با بازتولید خود در این محلات به عنوان یک شیوه زندگی و در پاسخ به نابرابری‌های اجتماعی تداوم خواهد یافت.

tarkarani@gmail.com

elmong2013@gmail.cim

a.rushanpoor@yahoo.com

1. Grounded theory

* دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

کلید واژه‌ها: بزهکاری، زیست حاشیه‌ای، طرد اجتماعی، کانون اصلاح و تربیت، لرستان

طرح مسئله

بزهکاری با توجه به جوانی جمعیت و تأخر جامعه‌پذیری جوانان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی حال حاضر جامعه ایران است. این پدیده مجموعه‌ای از جرائم را در برمی‌گیرد که در یک‌زمان و مکان معین رخ می‌دهند به همین جهت زمانی که مورد بررسی قرار گیرد، در حقیقت کلیه پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی یک جامعه عمیقاً مورد مطالعه واقع می‌شوند. گستردگی و بسط بزهکاری اول اینکه؛ باعث شد اغلب متخصصان، بزهکاری نوجوانان را به‌مثابه پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی، کیفی، سیال و زمینه محور دارای ابعاد گوناگون روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مطرح کنند. دوم اینکه؛ مسئله‌ای که به‌صورت همه‌گیر توسط متخصصان در سطح جهانی مطرح شد این است که در حیطه رفتارهای نوجوان چرا برخی از آنان نمی‌توانند خود را با ارزش‌ها و هنجارهای برخاسته از جامعه هم‌نوا سازند (روان‌بخش، ۱۴:۱۳۸۵). با وجود امکان بازپروری نوجوانان بزهکار، هشدارهای متخصصان و سیاست‌گذاران و حتی نگرانی خانواده‌ها از بروز و بسط رفتارهای بزهکارانه همواره به تعداد افراد بزهکار در جوامع مختلف افزوده می‌شود. در بررسی‌های به‌عمل آمده در بیش‌تر کشورهای جهان، آمار جرائم و بزهکاری متوجه جوانان هم‌چنان روبه افزایش است. در آمریکا سالانه بیش از دو میلیون نفر زیر ۱۷ سال بازداشت می‌شوند (گرین^۱، ۲۰۰۸). در ایران اگرچه یکی از معضلات اساسی بزهکاری و نظام عدالت کیفری، نبود آمار دقیق و اصطلاحاً وجود بزهکاری پنهان است اما آمارها نشان می‌دهد در ایران سالانه ۴۰۰ هزار نوجوان و جوان بین ۱۵ تا ۳۰ سال وارد زندان‌های کشور می‌شوند که حدود ۴۰ درصد آنها زیر سن قانونی هستند (عبداللهی، ۱:۱۳۸۴).

اگرچه بزهکاری با توجه به جمعیت جوان جامعه ایرانی مسئله‌ای مهم تلقی می‌شود، با این وجود در اجتماعات کوچک و سنتی ایران که بر اهمیت هنجاری و ارزشی در کردار

1. grin

و عمل صحنه می‌گذارند این مسئله اهمیت دوچندان دارد و بیش از کلان‌شهرها با واکنش‌های جمعی مواجه می‌شود. استان لرستان یکی از استان‌های غربی ایران که هم‌بستگی اجتماعی درون‌گروهی در آن ریشه‌های عمیقی دارد (ترکاری و حق‌ندری، ۱۳۹۳: ۳) و از وجود مسئله بزهکاری رنج می‌برد بر اساس آمارهای رسمی تراکم جمعیت کیفری زندان‌های لرستان در حدود پنج هزار نفر زندانی است، در این بین بخش قابل توجهی از جمعیت زندانیان را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند.

همچنین بر اساس آمارهای رسمی، تعداد مددجویانی که سالانه از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ در کانون اصلاح و تربیت استان لرستان بوده‌اند، هر سال بین ۲۰ نفر تا ۳۰ نفر متغیر بوده‌اند. (کانون اصلاح و تربیت لرستان، ۱۳۹۸). این آمار در حالی است که بخش بزرگی از جرائم نوجوانان در آمارهای پلیسی و دادرسی جنایی منظور نمی‌شود و به‌نوعی بزهکاری آنها پنهان است و به علل گوناگون جرائم آنان گزارش نمی‌شود و جزء آمار به حساب نمی‌آید. از طرف دیگر؛ در استان لرستان بنا بر نتایج تحقیقات، حدود ۶۰۰ کودک خیابانی در سطح استان شناسایی شده که ۹۸ درصد کودکان شناسایی شده کودکان کار هستند که این گروه مستعد گرایش به بزهکاری هستند (حیدری، ۱۳۹۴). از طرف دیگر طبق شناسنامه اجتماعی و فرهنگی استانداری لرستان در سال ۱۳۹۸ سکونتگاه‌های غیررسمی (مناطق حاشیه‌نشین) از جمله مهم‌ترین تهدیدات اجتماعی موجود در استان لرستان هستند که می‌توانند بر امکان وجود جرائم و بزهکاری در این استان دامن بزنند.

استان لرستان در مجموع دارای ۳۷ منطقه حاشیه‌نشین است که در این بین شهر خرم‌آباد دارای ۱۱ منطقه حاشیه‌نشین می‌باشد. (استانداری لرستان، ۱۳۹۸) سکونت‌گاه‌های غیررسمی در بسیاری از مناطق شهر خرم‌آباد وجود دارند و مشکلات مختلفی را از جهت نحوه و کیفیت زندگی برای ساکنان خود ایجاد کرده‌اند؛ محلات دره گرم شرقی و غربی، فلک‌الدین و میدان تیر، جهانگیر آباد و پاچنار، اسدآبادی و کرگانه، کوی علی‌آباد و شمشیر آباد، اسبستان و پشته مطهری، گل سفید و پشت بازار و ماسور از جمله مناطق

حاشیه‌ای در شهر خرم‌آباد محسوب می‌شوند. با توجه به مسائل و مشکلات متعدد به‌خصوص آسیب‌های اجتماعی فزاینده در این مناطق، لزوم توجه به مسائل و مشکلات آنها از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

بر اساس نتایج یک گزارش بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر در حاشیه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی شهر خرم‌آباد سکونت دارند. (استانداری لرستان، ۱۳۹۸). بخش قابل‌توجهی از این افراد به مشاغل کاذب و تعداد قابل‌ملاحظه‌ای به بزهکاری اجتماعی می‌پردازند. بافت سکونت، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این مناطق، جرم‌خیز است و خانه‌های تودرتو، کوچه‌های باریک، عدم وجود سرویس‌های خدمات عمومی شهری، عدم تخصص تجربی و علمی بخش اعظمی آرا ساکنان، این مناطق را مستعد جرم و بزه اجتماعی کرده است. برخی جرائم اجتماعی همانند سرقت، اوباشگری و نزاع‌های دسته‌جمعی از لحاظ آماری به نقطه بحرانی و خطرآفرین نزدیک می‌شوند و به‌عنوان یک تهدید اجتماعی خودنمایی می‌کنند. ساخت نابرابر و ناهمگون جامعه موردنظر نشان‌دهنده فراهم بودن زمینه ظهور و بازتولید چرخه بزهکاری در جامعه موردنظر می‌باشد. بسیاری از تحقیقات بیشتر بر جنبه‌های ساختاری تعیین‌بخش بزهکاری دلالت می‌کنند و کمتر بر دلالت‌های معنایی آن از منظر کسانی که این برچسب بر آنها نقش بسته و دلایل و انگیزه‌های آنها و حتی فهم ساختارها تأکید می‌کنند.

بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد با رویکرد جامعه‌شناسانه، با روشی درون‌کاوانه و از منظر قربانیان، فرایند ایجاد بزهکاری را بررسی نموده و درصدد فهم علل و شرایط و بسترها و مکانیسم‌ها و پیامدهای شکل‌گیری این پدیده اجتماعی از منظر کسانی که به این برچسب موصوف شده‌اند، باشد. همچنین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که بزهکاری در مناطق کمتر برخوردار چه معانی و دلالت‌هایی دارد؟، چگونه شکل می‌گیرد؟ با چه سازوکارها و راهبردهایی در جامعه موردنظر رشد می‌کند؟ و درنهایت با چه پیامدهایی روبرو خواهد شد؟

مروری بر ادبیات تجربی

نگاهی به مطالعاتی که در ارتباط با بزهکاری نوجوانان در ایران و بخصوص در لرستان انجام گرفته نشان می‌دهد که این مطالعات در حوزه‌های مختلف و با رویکردهای نظری متفاوت در حوزه‌های روانشناسی، حقوق و جزا و جامعه‌شناسی انجام گرفته است. در اینجا سعی شده که این تحقیقات در قالب جدول شماره یک خلاصه گردد.

جدول ۱- خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیقات مرتبط با بزهکاری نوجوانان

صاحب‌نظر	سال انتشار	عنوان تحقیق	محل اجرا	یافته اصلی
سختوت	۱۳۸۰	عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان	استان لرستان	داشتن روابط در محیط خانه و مدرسه، پنداشت از خود، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، توفیق در مدرسه و جنسیت با بزهکاری رابطه وجود دارد.
گلچین	۱۳۸۵	انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها	ایران	بین جنس، پایگاه اجتماعی، اقتصادی خانواده، عضویت در گروه‌های بزهکار و میزان نابسامانی و گسختگی خانواده با بزهکاری ارتباط وجود دارد.
ساک و همکاران	۱۳۸۸	عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر بر بزهکاری در نوجوانان با رویکردی روان‌شناختی	خرم‌آباد	بین وضعیت اقتصادی خانواده، ارتباطات بین فردی اعضای خانواده و والدین و وجود کشمکش، درگیری و تعارض در خانواده دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد.
حسنوند	۱۳۹۰	عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان	شهرستان سلسله (لرستان)	میان دینداری، میزان نظارت والدین بر فرزندان، تعهدات خانوادگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تعهدات آموزشی با رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد.

قاضی طباطبایی و همکاران	۱۳۹۱	سهم ساختار و یادگیری اجتماعی در بزهکاری	مناطق حاشیه‌نشین شهر تهران	بین ابعاد یادگیری اجتماعی (همنشینی افتراقی) و متغیرهای ساختاری (آنومی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی) با بزهکاری رابطه وجود دارد.
احمدی و همکاران	۱۳۹۲	تحلیل فضایی الگوهای بزهکاری در منطقه ۱۷ شهرداری تهران	تهران	بین تراکم نسبی جمعیت و جرایمی از نوع مواد مخدر و سرقت رابطه معنی‌داری وجود دارد.
غفاری و مرادی	۱۳۹۵	عوامل مرتبط با بزهکاری نوجوانان	کرمانشاه	بین نظارت والدین، پیوند عاطفی قوی، انسجام خانواده، تشویق به رعایت قانون در اطاعت از هنجارها و بزهکاری رابطه وجود دارد.
پور سینا و همکاران	۱۳۹۷	مدل مفهومی عوامل روانی - اجتماعی زمینه‌ساز ارتکاب جرم، ارائه یک مطالعه داده بنیاد	همدان	شرایط علی ارتکاب جرم: اعتیاد فرد، مرادده با دوستان مجرم، مجرم بودن والدین، عوامل مداخله‌گر: عوامل روانی مانند هیجان خواهی و عزت‌نفس پایین. عوامل اجتماعی مانند: وضعیت اقتصادی پایین خانواده، ترک تحصیل و اوقات فراغت نامطلوب، شرایط زمینه‌ای جرم: زندگی در محله جرم خیز و پیامدها شامل: طرد و تحقیر از سوی والدین، جامعه مجازاتی مانند زندان می‌باشد.
مظفری و همکاران	۱۳۹۸	بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی هنجاری اجتماعی در بزهکاری	قزوین	بین تعامل با همسالان بزهکار، کاهش روابط بین خانواده، نگرش مثبت نوجوانان به بزه، وجود همدستان بزهکار با گرایش به بزهکاری رابطه وجود دارد.

زیست بزهکارانه: مطالعه کیفی زمینه‌های...، ترکاری و همکاران | ۱۳۹

یافته‌های این تحقیق برچسب‌زنی همالان را تنها پیش‌بینی کننده معنادار بزهکاری عمومی و خطرناک می‌بیند. همچنین این تحقیق بیشتر درباره تأثیر برچسب‌زنی غیررسمی تأکید می‌کند.		روش کیفی با عنوان (برچسب‌زنی و بزهکاری)	۲۰۰۳	آدامز ^۱
همبستگی اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری با بزهکاری دارد.		تأثیر خودکنترلی و پیوندهای اجتماعی بر رفتارهای بزهکارانه	۲۰۰۴	لی ^۲
به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی از گروه‌های اقلیتی، درگیر شدن جوانان در فعالیت‌های اوقات فراغتی سالم محدود شده است لذا بسیاری از جوانان وقت خود را در گروه‌های خارج از خانه و در خیابان سپری می‌کنند.		اوقات فراغت و بزهکاری نوجوانان	۲۰۰۶	واگنی و همکاران ^۳
دامنه و تأثیر عوامل اجتماعی و آموزشی بالاتر و قوی‌تر از عوامل روان‌شناختی در اقدام به بزهکاری نقش دارند.	رومانی	بزهکاری نوجوانان: آیا جامعه مقصراست؟	۲۰۱۶	مولر و فابیان ^۴
عدم محبت والدین، عدم موفقیت تحصیلی، شرایط نامناسب مسکن، احساس فرومایگی، بی‌توجهی و عدم آگاهی والدین از فعالیت فرزندان به‌عنوان مهم‌ترین دلایل بزهکاری نوجوان شناخته شدند.		توجه والدین به بزهکاری نوجوانان	۲۰۱۸	ریتامونی داس ^۵

-
1. Adams
 2. Lee
 3. Wagner.etal
 4. Müller and Fabiana
 5. Ritamoni Das

ارزیابی پیشینه تحقیق که در جدول شماره یک خلاصه شده نشان می‌دهد:

۱- بخش قابل توجهی از پژوهش‌های مرتبط با بزهکاری با رویکردی فردگرا و در حوزه روانشناسی انجام گرفته و مسئله بزهکاری را پدیده‌ای فردی و مرتبط با میزان توانمندی‌های فرد در نظر گرفته‌اند. نتیجه اینکه این تحقیقات منجر به تقویت این تلقی شده که بزهکاری امری فردی می‌باشد. در حالی که رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناسانه می‌تواند افق‌های بازتری از این پدیده را بر ما نمایان کند و نشان دهد که در کنار رویکردهای فردی، ساخت‌های نابرابر اجتماعی و توزیع ناعادلانه امکانات و فرصت‌های زندگی می‌توانند در شکل‌دهی به این آسیب نقش داشته باشند.

۲- در پژوهش‌های اجتماعی نیز که به نقش عوامل اجتماعی در ارتباط با بزهکاری پرداخته‌اند، تأکید بیشتر بر جنبه‌های میانی از جمله نقش پررنگ خانواده باعث شده کمتر به سایر عوامل اجتماعی درگیر در موضوع پرداخته شود. ۳- بیشتر پژوهش‌ها غالباً با روش کمی انجام گرفته‌اند. تحقیقات کمی گرچه بخشی از واقعیت را نشان می‌دهند اما نمی‌توانند نمای واقعی و همه‌جانبه‌ای آن را نشان دهند. بنابراین اگرچه در زمینه بزهکاری پژوهش‌های مختلف صورت گرفته است اما این پژوهش‌ها به این علت که پدیده حاضر را به‌عنوان یک فرایند برساخت اجتماعی که به صورت به هم پیوسته‌ای عوامل و تجربه‌های فرد را در درون یک ساخت اجتماعی در نظر نگرفته‌اند بخش مهمی از واقعیت این پدیده را نادیده گرفته‌اند. بنا به دلایل ذکر شده پژوهش حاضر تلاش دارد نگاهی درون‌کاوانه و با شناخت عمیق از تجارب زیسته و داستان زندگی افراد مورد مطالعه و با استفاده از روش پژوهش کیفی برخی از ابهامات و ناشناخته‌های این حوزه در جامعه مورد مطالعه را پاسخ داده و بتواند راهکارهای اجتماعی مناسبی در جهت تقویت بسترهای سالم جامعه ارائه دهد.

چارچوب مفهومی

در بررسی‌های کیفی به‌جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات از چارچوب مفهومی جهت سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۸: ۳۱۲).

بنا بر تفاوت‌های معرفت‌شناختی میان روش‌شناسی کمی و کیفی استفاده از نظریه در روش کیفی جهت نظریه‌آزمایی صورت نمی‌گیرد بلکه صرفاً نقش مکمل و الهام‌بخش در فرایند پژوهش دارند و از نظریه‌ها به منظور ایجاد حساسیت نظری به عنوان راهنمای عمومی محقق برای یافتن مسیر تحقیق و جستجوی منظم مقوله‌های عمده تحقیق به کار می‌روند.

رویکرد مفهومی پژوهش حاضر برگرفته از مفاهیم رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی، کنش متقابل نمادین (نظریه برچسب‌زنی)، نظریه پیوند افتراقی ساترلند، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی، نظریه یادگیری اجتماعی ایگز، نظریه خرده‌فرهنگ، ناکامی منزلتی کوهن است. بدین شکل که پدیده بزهکاری را در چارچوب نظام معنایی افراد به تعاملات اجتماعی و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی افراد پیوند زده و در رابطه بین عینیت و ذهنیت افراد مفهوم‌سازی کند.

- رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی: سازه‌گرایی اجتماعی به دنبال بیان این مطلب است که چگونه جهان اجتماعی پیرامونمان را می‌فهمیم، در این دیدگاه این مسئله اهمیت دارد که چطور افراد به وضعیت قبول یک یا مجموعه‌ای از عقاید می‌رسند و چگونه زمانی که در دنیای رنج آور زندگی می‌کنند این درد و رنج را تعریف می‌کنند در مقابل رویکرد سازه‌گرایی که به تعریف ذهنی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی تأکید دارد، رویکردی قرار دارد که مسائل اجتماعی را به عنوان شرایط عینی می‌بیند رویکرد کارکردگرایی و تضاد از این نوع هستند و معتقدند به حضار بگویند جهان چگونه باید کار کند این با یک حس عملی همراه است به این معنا که شرایطی وجود دارد و آن شرایط مسئله است و باید برای آن کاری انجام داد. در واقع رویکردهایی که به شرایط عینی تأکید دارند با این مطلب سروکار دارند که جهان چگونه هست و شرایطی را به عنوان مسئله مقوله‌بندی می‌کنند که برهم زننده نظری مبنی بر این باشد که جهان چطور باید کار کند (لوزیک، ۱۳۹۴: ۲۵۷).

- نظریه کنش متقابل نمادین، بر این مسئله تمرکز دارد که مردم چه معناهایی را برای کنش متقابل با دیگران یافته‌اند، چگونه این معانی ایجاد شده‌اند و افراد چگونه با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و چگونه مردم دنیای اطرافشان را معنادار می‌سازند. مید معتقد بود

خودانگاره، از جریان کنش متقابل اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. افراد می‌آموزند که «نگرش دیگران» را نسبت به خود دریابند و با این کار خود را به‌عنوان موضوعی اجتماعی می‌بینند و در نتیجه بنا بر همان خودانگاره هم، رفتار می‌کنند. مید همچنین باور داشت کنش متقابل اجتماعی خصلتی پویا دارد و ایستا نیست. او تأکید می‌کند افراد با خواندن ژست‌ها و نمادها، پیوسته رفتارشان را با آنچه به نظر می‌رسد دیگران می‌خواهند انجام دهند سازگار می‌کنند (رابینگتن، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

- نظریه برچسب یا عکس‌العمل اجتماعی؛ تأکید می‌کند که از طریق برچسب زدن یک عمل به‌عنوان منحرف زنجیره‌ای از حوادث را به حرکت درمی‌آوریم که فرد را به سوی انحرافات بزرگ‌تری می‌راند و بالاخره به آغوش یک تشکیلات و ساختار زندگی انحرافی می‌اندازد (هورتون و هانت^۱، ۱۹۸۴).

- نظریه خرده‌فرهنگ کجروی ناکامی منزلتی کوهن: فرض اصلی کوهن بر این است که فرد منحرف، بزهکار و کجرو آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی و فرهنگی جامعه را پذیرفته ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی دچار محرومیت است لذا آرمان‌ها و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه پاره (خرده) فرهنگ بزهکار به وجود می‌آید (کوهن^۲، ۱۹۹۵).

- نظریه همنشینی افتراقی ساترلند: نظریه وی بر این فرض استوار است که رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. وی معتقد است فرد بزهکار در طول حیات خود از طبق پیوستگی، ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی را فرامی‌گیرد، بنابراین رفتار انحرافی از طریق کنش متقابل با دیگران صمیمی آموخته می‌شود زمانی که این کنش متقابل به نفع رفتار انحرافی باشد فرد متمایل به انجام چنین رفتار خواهد شد (انگرام^۳، ۲۰۰۷). یادگیری

1. Horton and Hunt
2. Cohen
3. angram

کج رفتاری در حلقه درون گروهی رخ می‌دهد و رسانه‌های جمعی و مطبوعات نقش دوم را دارند، تجلی نیازها و ارزش‌های کلی است، به تناسب تعارف موافق با ناهمخوانی و کجروی به نسبت تعارف موافق با همنوایی در حلقه روابط اجتماعی که دارد کج رفتاری را می‌آموزد (ساترلند و کرسی^۱، ۱۹۶۶).

در این تحقیق سعی شده که از منظر نظری، چارچوب مفهومی پیوندی مبتنی بر تلفیق سطوح عینیت و ذهنیت داشته و مسئله را از سطح خرد فراتر برده و به زمینه اجتماعی و عللی فراتر از فرد بزهکار پیوند داده شود.

روش شناسی

در این پژوهش جهت دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف پژوهش از روش کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. هدف از رویکرد کیفی در پژوهش دستیابی به اطلاعات موجود در یک زمینه خاص و درک و فهم بیش‌تر و عمیق‌تر پدیده‌هایی است که از طریق رویکرد کمی امکان پذیر نیستند. پژوهش کیفی، انجام پژوهش در دنیای واقعی است و بسیار ظریف و عمیق مسائل را شناسایی می‌کند. همچنین پژوهش کیفی به مطالعه روابط انسان‌ها با اذعان به حقیقت متکثر و فردی شده آن‌ها در زندگی شان می‌پردازد (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۵). نظریه زمینه‌ای روش‌شناسی ویژه‌ای است که توسط گلاسر و اشتراس با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری - برساختی ایجاد و بسط داده شد. در واقع نظریه زمینه‌ای عبارت است از کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی که به‌طور منظم در فرایند تحقیق اجتماعی به دست آمده‌اند. از ویژگی‌های مهم نظریه‌مبنایی آن است که از استدلال استقرایی برای ورود به سطح خرد واقعیت، استدلال قیاسی برای ساخت الگوی نظری عام و استدلال استفهامی برای درک موضع امیک کنشگران اجتماعی استفاده می‌کند (محمد پور، ۱۳۹۲: ۳۱۴).

روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر از نوع نمونه‌گیری هدفمند نظری (اشباع نظری) است. نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه است که به آن وسیله تحلیل‌گر به‌طور هم‌زمان داده‌های خود را گردآوری، کدگذاری و تحلیل کرده و در مورد داده‌هایی که بعداً گردآوری می‌شوند و نیز محل یافتن آن‌ها تصمیم می‌گیرد، تا نظریه خود را آن‌طور که خودش ظهور می‌یابد، توسعه دهد (گلاسر و اشتروس، ۱۹۶۷: ۴۵). جهت تعیین حجم نمونه نیز از معیار اشباع نظری استفاده گردید. اشباع نظری به این معنا است که در فرآیند گردآوری داده‌ها دیگر داده جدیدی پیدا نشده است که محقق به‌وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را توسعه دهد و به تدریج محقق مطمئن می‌شود که مقوله‌های او اشباع شده‌اند. (گلاسر و اشتروس، ۱۹۶۷: ۶۱). برای تحلیل‌ها داده نیز از روش‌های معمول در نظریه زمینه‌ای که عبارت‌اند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شده است (استراواس و کرین، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

در مرحله اول (کدگذاری باز) داده‌ها کشف و اسم‌گذاری شده و از لحاظ ماهیت مفهومی و معنایی در طبقه‌بندی‌های مشخص قرار گرفتند. در ادامه، رویدادها و مباحثی که از نظر مفهومی یا معنایی، ماهیتی مشابه داشتند، ذیل مفهومی انتزاعی و کلی‌تر به نام مقوله جای داده شدند. در مرحله بعد، کدگذاری گزینشی در محور یک مقوله صورت گرفت و مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر ارتباط داده شدند. در نتیجه پس از بررسی دقیق داده‌ها و کدهای دو مرحله قبل، مقوله هسته‌ای انتخاب گردید سؤال‌های تحقیق راجع به سه بعد بستر و زمینه‌ها، راهبردی و پیامدی پدیده بزهکاری برای نوجوانان می‌باشد و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به این سؤال‌ها و قرار دادن آنها در سه قالب بستر، شرایط و پیامدها، مدل پارادایمی تحقیق را تشکیل می‌دهند. سعی گردید سؤالات مصاحبه حول سؤالاتی نظیر: بزهکاری را چگونه درک، معنا و تفسیر می‌کنید؟ دلایل روی آوردن شما به بزهکاری چه بوده است؟ چه کسانی در ارتکاب جرم و زندانی شدن شما در کانون اصلاح و تربیت و رفتن به سمت بزهکاری نقش داشتند؟ چگونه به سمت وسوی بزهکاری کشیده شدید؟ بزهکاری در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی شما چه آثار و پیامدهایی در پی داشته است؟ شکل گیرد.

در نظریه زمینه‌ای هنگام گردآوری داده می‌توان از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده و اسناد نوشتاری استفاده کرد. اما ارائه یک نظریه زمینه‌ای مناسب مستلزم گردآوری داده‌های متنی - مصاحبه‌ای عمیق است. لذا در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شد. میدان پژوهش با توجه به موضوع تحقیق، کانون اصلاح و تربیت شهر خرم‌آباد می‌باشد. بدین منظور، با اخذ مجوز از مسئولین ذی‌ربط و کسب رضایت کتبی نمونه‌ها برای شرکت در تحقیق و اطمینان از محرمانه بودن اسامی همراه با تفهیم کامل حقوق مشارکت کننده، با ۳۰ نفر از نوجوانان حاضر در مراکز کانون اصلاح و تربیت شهر خرم‌آباد در سال ۹۹-۱۳۹۸ مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه‌ها اکثراً با زبان لکی و لری صورت گرفته و فرایند پیاده‌سازی مصاحبه‌ها انجام شد. میانگین زمانی مصاحبه‌ها حدود ۳۰ دقیقه بود.

در این پژوهش، جهت بررسی قابلیت اعتبار داده‌ها از روش‌های زیر بهره گرفته شد: ۱- دقت و کفایت استنادات و کدبندی‌ها و همچنین فرآیند گردآوری داده‌ها و تنظیم آنها به صورت سیستماتیک و نظام‌مند. ۲- توصیف ضخیم و غنی مصاحبه‌ها ۳- نظارت متخصصان یا مرور خبرگان ۴- اشباع داده‌ها تا بتوانیم از ساخت مفاهیم دقیق اطمینان پیدا کرد.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

جامعه مورد مطالعه ما نوجوانانی بودند که در طی چند سال اخیر به خاطر ارتکاب جرائم مختلف محکوم به گذراندن دوره مددجویی خود در کانون اصلاح و تربیت شهر خرم‌آباد بودند. مشخصات این افراد در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که این مصاحبه‌شوندگان از مناطق حاشیه‌ای شهر خرم‌آباد بوده و از لحاظ اقتصادی معمولاً در طبقات پایین قرار داشتند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود همه نوجوانان مصاحبه‌شونده در رده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارند، از لحاظ تحصیلات کمترین فراوانی مربوط به پنجم ابتدایی و بیشترین فراوانی مربوط به سوم راهنمایی بوده است. همچنین از لحاظ شغل پدر اکثراً شغل آنها کارگر ساده بوده و بیشترین نوع جرم در بین مددجویان سرقت می‌باشد.

جدول ۲- مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان

کد	سن	سطح تحصیلات	شغل پدر	علت حضور در کانون
۱	۱۶	دوم راهنمایی	کارگر	سرقت
۲	۱۸	اول دبیرستان	کشاورز	قتل
۳	۱۸	سوم دبیرستان	بیکار	سرقت
۴	۱۷	سوم راهنمایی	قاچاق فروش	سرقت
۵	۱۷	پنجم ابتدایی	دامدار	سرقت
۶	۱۷	دوم دبیرستان	قاچاق فروش	سرقت
۷	۱۸	اول دبیرستان	کارگر	سرقت
۸	۱۶	دوم دبیرستان	آزاد	درگیری
۹	۱۵	پنجم ابتدایی	دامدار	درگیری
۱۰	۱۸	سوم راهنمایی	کارمند بازنشسته	درگیری
۱۱	۱۵	اول دبیرستان	دامدار	درگیری
۱۲	۱۶	اول راهنمایی	دامدار	درگیری
۱۳	۱۶	سوم دبیرستان	آزاد	درگیری
۱۴	۱۸	بی سواد	باغبان	سرقت
۱۵	۱۷	اول راهنمایی	نگهبان	لوات
۱۶	۱۷	سوم دبیرستان	آزاد	سرقت
۱۷	۱۶	دوم دبیرستان	آزاد	آدم‌ربایی
۱۸	۱۶	دوم راهنمایی	کارگر	سرقت
۱۹	۱۵	سوم راهنمایی	کارگر	حمل اسلحه
۲۰	۱۸	دوم راهنمایی	کارگر	سرقت
۲۱	۱۶	دوم دبیرستان	فروشنده	سرقت
۲۲	۱۷	سوم راهنمایی	کارگر	درگیری
۲۳	۱۷	پنجم ابتدایی	کارگر	سرقت
۲۴	۱۶	اول دبیرستان	معمار	قتل غیر عمد
۲۵	۱۸	دوم راهنمایی	جوشکار	سرقت
۲۶	۱۷	اول دبیرستان	آزاد	سرقت
۲۷	۱۸	بی سواد	آزاد	درگیری
۲۸	۱۷	بی سواد	کارگر	سرقت
۲۹	۱۷	سوم راهنمایی	کارگر	درگیری
۳۰	۱۵	سوم راهنمایی	کارگر	مواد مخدر

یافته‌های تحقیق

در استخراج یافته‌ها ابتدا کدهای اولیه جهت فهم عمیق متون مصاحبه‌ها استخراج شد در مرحله بعدی کدهای اولیه بیرون کشیده شده و در دسته‌ها و زیر مقوله یا مقوله فرعی قرار گرفتند و در مرحله آخر مفهوم کلی و انتزاعی اکتساب شده از مقوله‌های پیشین نام‌گذاری شد. با عمل کدگذاری ۶۷ مفهوم، ۳۴ زیرمقوله و ۱۷ مقوله اصلی و یک مقوله هسته‌ای تعیین گردید. در پایان نقل قول‌ها با شماره فرد مصاحبه‌کننده مشخص شده است.

در این قسمت یافته‌های به دست آمده به شکل زیر ارائه می‌شود:

(۱) بسترها و زمینه‌های بزهکاری نوجوانان

منظور از بسترها و زمینه‌های بزهکاری نوجوانان، مجموعه شرایطی است که زمینه‌ساز، تأثیرگذار و تقویت‌کننده گرایش نوجوان به کنش بزهکارانه است. این عوامل بستری برای بروز پدیده هستند و برای همه افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند کم‌وبیش وجود دارد ولی تأثیر آن بر مبنای شرایط علی و مداخله‌ای می‌تواند برای افراد متفاوت باشد. **مقولات اصلی زمینه‌ای:** زیست حاشیه‌ای و بستر ناتوان اقتصادی، محیط تنش‌زای خانواده و سبک تربیتی غافلانه ویی توجه می‌باشند.

مقولات و زیر مقوله‌ها و مفاهیم مربوطه در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- بسترهای شکل‌گیری بزهکاری

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
احساس جدایی از مردم سایر مناطق، محرومیت از امکانات و خدمات زندگی شهری، احساس تبعیض و تحقیر از سوی دیگران، ضعف و نبود امکانات در محل زندگی خود در مقایسه با دیگر مناطق شهر، احساس زندگی ناعادلانه	احساس عدم تعلق اجتماعی، احساس محرومیت نسبی	زیست حاشیه‌ای
بیکاری، سرپرست خانواده، نداشتن شغل دائم، نداشتن درآمد همیشگی، فقر مزمن، افزایش تورم، حجم زیاد	عدم منبع درآمد پایدار، کاهش قدرت خرید	بستر ناتوان اقتصادی

هزینه و مخارج زندگی، مهاجرین روستایی		
وجود خشونت و جروبحث در خانواده، ناسازگاری اعضای خانواده با یکدیگر، درگیری و جدل و سرزنش هنگام صحبت با یکدیگر	نبود محیط عاطفی و همدلانه، فقدان گفتگو بین اعضای خانواده	محیط تنش‌زای خانواده
انتظارات شتاب‌زده و بالای خانواده از کودک، کمک‌خرج خانواده بودن، اجبار به ورود به نقش‌های اجتماعی، نداشتن دوره نوجوانی و کودکی، ضعف ایفای نقش خانواده در تربیت و حمایت فرزندان، الزام کودکان به ایفای زودرس نقش‌ها و انتظارات اجتماعی	بلوغ زودرس اجتماعی، نگاه کارکردی و ابزاری به فرزندان	سبک تربیتی غافل و بی‌توجه

۱-۱- زیست حاشیه‌ای

زیست حاشیه‌ای از ۲ زیرمقوله احساس عدم تعلق اجتماعی و احساس محرومیت نسبی تشکیل شده و به شرایطی اشاره دارد که به خاطر زندگی در محلات فقیرنشین و حاشیه‌ای افراد خود را در وضعیت بغرنجی از نابرابری‌های آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و محیطی می‌بینند و احساس بی‌عدالتی و تبعیض در بین افرادی که در این مناطق زندگی می‌کنند بسیار پررنگ است و خود را متعلق به شهر احساس نمی‌کنند.

الف- احساس عدم تعلق اجتماعی: ساکنان این مناطق معمولاً خود را متعلق به شهر

نمی‌دانند و احساس می‌کنند کسی آن‌ها را شهروند به حساب نمی‌آورد:

«جایی که ما زندگی می‌کنیم انگار جزء این شهر حساب نمیشه و کسی اون به‌عنوان یه محله حساب نمی‌کنه، انگار مردم اینجا سربار و اضافی‌اند و کسی بهشون توجه ای نداره».

(مشارکت‌کننده شماره ۱)

«اینجا انگار ته دنیاست، از همه چی عقب هستی و به هیچ چیزی دسترسی

نداری» (مشارکت‌کننده شماره ۴)

ب- احساس محرومیت نسبی: کمبود خدمات و امکانات زندگی در منطقه محل

سکونت و مقایسه محلات خود با دیگر محلات شهری باعث شده که این افراد به‌نوعی احساس محرومیت نسبی کنند.

«محلّه ما خیلی شلوغ و بی‌در و بیکره، نه خیابون خوبی، نه آسفالت مناسبی، نه مدرسه و پارک خوبی، امکاناتی که در محلات خوب شهر وجود داره در اینجا آرزو» (مشارکت کننده شماره ۵).

«افراد دیگه که هم سن من بودند وقتی می‌دیدم که چه ماشین‌هایی سوار می‌شن و چه لباس‌هایی می‌پوشن ناراحت می‌شدم و می‌گفتم پس ما چرا این‌قدر بدبخت هستیم» (مشارکت کننده شماره ۷).

۱-۲- بستر ناتوان اقتصادی

بستر ناتوان اقتصادی که از دو زیرمقوله عدم منبع درآمد پایدار و کاهش قدرت خرید ساخته شده، اشاره به وضعیتی دارد که خانواده‌ها به دلیل بیکاری و فقر و نداشتن شغل باثبات و با درآمد کافی و همچنین به دلیل تورم افسارگسیخته در سال‌های گذشته، قدرت خرید و توان اقتصادی‌شان به شدت کاهش پیدا کرده است و در نتیجه افراد توانایی برآورده کردن معیشت خود و خانواده‌شان را ندارند.

الف- عدم منبع درآمد پایدار: در این خانواده‌ها معمولاً سرپرست خانوار، معتاد، از کارافتاده، بیکار، فاقد مشاغل پایدار و یا فاقد درآمد و پس‌انداز کافی هستند.

«پدرم کارگر بود و وقت‌هایی که کار پیدا می‌کرد پول کمی می‌آورد خونه، همین پول کم بستگی به این داشت که کارگیرش بیاد یا نه» (مشارکت کننده شماره: ۸).

ب- کاهش قدرت خرید: در سال‌های اخیر به علت افزایش تورم و مشکلات اقتصادی، اخراج کارگران و کاهش ارزش پول ملی، بسیاری از خانواده‌ها فقیرتر شده و قدرت خریدشان کاهش یافته است.

«وقتی بیکار و بی‌پول باشی، همه چی هم روزبه‌روز گرون بشه دیگه همه خانواده فکرشون میشه این که چه جوری خرج خودشون و بقیه رو دربیارند» (مشارکت کننده شماره ۱۰).

«پدرم از کارافتاده بود و دیگه توان کار کردن نداشت، مادرم کار نظافت خونه‌های مردم رو انجام می‌داد ولی پولی که بهش می‌دادند خیلی کم بود و نمی‌شد باهاش زندگی را گذرونند» (مشارکت کننده شماره ۱۷).

۱-۳- محیط تنش‌زای خانواده

محیط تنش‌زای خانواده از ۲ زیرمقوله نبود محیط عاطفی و همدلانه و فقدان تفاهم گفتگو بین اعضای خانواده ساخته شده و اشاره به شرایطی دارد که در آن والدین مدام در حال جروب‌بحث و بگومگو و درگیری با همدیگر هستند. در چنین شرایطی محیط خانواده به جای جو گرم و عاطفی و صمیمی و دوستانه، محیطی مبتنی بر خصومت، تنفر، عصبانیت، آزرده‌گی و خشونت و آشفتگی‌های عصبی است و در نتیجه چنین محیطی زمینه‌ساز فرار فرزندان از محیط خانواده است.

الف- نبود محیط عاطفی و همدلانه: در این خانواده‌ها معمولاً فضای دوستانه و محبت‌آمیز و صمیمی وجود ندارد. به خاطر وجود مشکلات کمتر مجال بروز صمیمیت را پیدا می‌کنند.

«در زندگی خانوادگی ما پدر و مادرم و بچه‌ها مدام با هم دعوا داشتند و گاهی کارشون به کتک‌کاری می‌کشید» (مشارکت‌کننده شماره ۱۶).
«در خانه ما هرکس پیگیر کار خودش، هرکسی سعی میکنه خودش آنگه مشکلی داشت حلش کنه» (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

ب- ضعف گفتگو در خانواده: در این نوع خانواده‌ها مسائل با تنش و درگیری و سرزنش بیان می‌شود و اعضاء کمتر با هم راجع به مشکلات با همدیگر گفتگو می‌کنند.
«پدرم زیاد بهم گیر می‌داد و اصلاً نمی‌شد باهاش دو کلام حرف زد، همیشه حرف حرف خودش بود و هر چی اون می‌گفت ما باید می‌گفتیم چشم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۷).
«آنگه مسئله و مشکلی تو خانواده ما به وجود می‌اومد این نبود بشینیم راجع بهش صحبت کنیم، فوری پدرم عصبی می‌شد و کار به دعوا می‌کشید» (مشارکت‌کننده شماره ۲۰).

۱-۴- سبک تربیتی غافل و بی‌توجه

سبک تربیتی غافل و بی‌توجه که از دو زیر مقوله بلوغ اجتماعی زودرس و نگاه ابزاری و کارکردی به فرزندان تشکیل شده اشاره به وضعیتی دارد که در آن والدین و

بزرگ‌ترها توقع دارند که کودکان و نوجوانان هرچه سریع‌تر و قبل از رشد کامل شخصیتی، بخشی از بار مسئولیت زندگی اجتماعی و خانوادگی را بر عهده بگیرند و یار و کمک یار خانواده باشند. در چنین شرایطی والدین نسبت به تربیت کودکان و نوجوانان غافل و کم مسئولیت هستند و احساس می‌کنند که کودکان و نوجوانان خودشان بزرگ شده و می‌توانند راه و مسیر خود را تشخیص دهند.

الف- بلوغ اجتماعی زودرس: در این خانواده‌ها معمولاً فرزند زودتر از زمان معین

وارد پذیرش نقش‌های اجتماعی و انجام مسئولیت‌های اجتماعی می‌شوند.

«تا جایی که یادمه از بچگی کار می‌کردم، یعنی از ۷ سالگی من را می‌فرستادن سر چهارراه‌ها و تو پارک‌ها که کار کنم» (مشارکت کننده شماره ۳۰).

«یادمه از ۱۵ سالگی به بعد دیگه خانواده می‌گفتند تو بزرگ شدی، ما که همیشه هی به

تو بگیریم این کار بکن و یا نکن، تودیکه مرد شدی» (مشارکت کننده شماره ۱۱).

ب- نگاه ابزاری و کارکردی به فرزندان: این نوع خانواده‌ها معمولاً فرزندان را در

همان سنین پایین به عنوان نیروی کار خانواده و یکی از منابع درآمدی خانواده در نظر

می‌گیرند و نسبت به الزامات تربیتی فرزندان در این سن بی‌توجه هستند.

«خانواده‌ام بهم می‌گفتند تو باید کمک خرج ما باشی نه اینکه ما همش خرج تو را

بدیم» (مشارکت کننده شماره ۱۴).

«خانواده‌ام بهم می‌گفتند چیه همش تو خونه هستی یا میری بازی. شما باید الان بری

کارکنی و خرج ما و خودت را بدی» (مشارکت کننده شماره ۱۰).

۲- شرایط علی: آن دسته از وقایع هستند که پدیده بزهکاری نوجوانان را ایجاد

می‌کنند. عواملی مانند: ترک تحصیل، طردشدگی در محیط خانواده، تجربه زندگی

مجرمانه، غلبه خرده‌فرهنگ لاتی به صورت مستقیم در به وجود آمدن این پدیده نقش

داشته‌اند. یافته‌ها در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- شرایط علی بزهکاری

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
غیبت مکرر در مدرسه، ناتوانی در دنبال کردن دروس، مردود شدن، عدم علاقه به درس، سرزنش و تنبیه در مدرسه، اخراج از مدرسه، نداشتن هزینه تحصیل	افت تحصیلی، ناتوانی از ادامه تحصیل	ترک تحصیل
احساس تنهایی و جدایی از اعضای خانواده، توجه بیشتر والدین به دیگر اعضای خانواده، درگیری با اعضای خانواده، فرار از منزل، قطع رابطه عاطفی با اعضای خانواده	ادغام نشدن با اعضای خانواده، تبعیض بین فرزندان از سوی والدین	طردشدگی در محیط خانواده
سابقه بازداشت اعضای خانواده، انجام کارهای مجرمانه توسط بزرگ‌ترهای خانواده و فامیل، مشارکت در کارهای مجرمانه مانند موادفروشی، عادی بودن جرم و بزه در خانواده	سابقه جرم در محیط خانواده، همکاری با بزرگ‌ترها در کارهای مجرمانه	تجربه زندگی مجرمانه
تلاش برای پذیرش در جمع دوستان با زورگیری، چاقوکشی، خشونت و پرخاشگری، تلاش برای پذیرش و جلب توجه دیگران با نمایش زور و قدرت، نشان دادن خود به فامیل با طرفداری از آنها در برخوردهای خیابانی، انتقام‌گیری از دیگران	کسب منزلت در بین همسالان با نمایش زور، کسب جایگاه اجتماعی با برخورد خیابانی و قدرت بدنی	غلبه خرده‌فرهنگ لاتی

۲-۱- ترک تحصیل

ترک تحصیل که از ۲ زیرمقوله افت تحصیلی و ناتوانی در ادامه تحصیل ساخته شده اشاره به فرآیندی دارد که نوجوانان تحصیلات منظم و منضبطی ندارند و تحصیل آنان همراه با افت تحصیلی، بی‌توجهی خود و خانواده نسبت به تحصیل، غیبت از مدرسه و ناتوانی از تأمین هزینه تحصیل و بی‌نظمی و ناسازگاری در مدرسه و در آخر موجب اخراج نوجوان یا ترک تحصیل وی از مدرسه می‌شود.

الف- افت تحصیلی: این خانواده‌ها معمولاً پیگیر درس فرزندان خود نیستند و فرزندان با افت کیفیت درسی مواجه هستند.

«این قدر نسبت به درس و مشق بی تفاوت بودم که تو اکثر درس‌ها مردود می‌شدم، به این خاطر بی خیال مدرسه و تحصیل شدم» (مشارکت کننده شماره ۲۶).
«تو مدرسه درسم خوب نبود و مدام معلم‌ها بهم تذکر می‌دادند و هی می‌گفتند بگو والدینت بیان مدرسه» (مشارکت کننده شماره ۷).

ب- ناتوانی از ادامه تحصیل: بسیاری از این خانواده‌ها توان تأمین هزینه تحصیل فرزندان را ندارند و یا فکر می‌کنند در این شرایط نیاز بیشتری به کار فرزندان خود دارند، بنابراین سخت‌گیری نسبت به حضور فرزند در مدرسه ندارند. همچنین گاهی فرزندان به خاطر مشکل انضباطی و تربیتی از مدرسه اخراج می‌شوند.

«توان هزینه‌های مدرسه را نداشتم خانواده‌ام هم درآمدی نداشتند که بتوانند خرج هزینه مدرسه کنند، برای همین ترک تحصیل کردم» (مشارکت کننده شماره ۱۵).

۲-۲- طردشدگی در محیط خانواده

طردشدگی اشاره به وضعیتی دارد که در آن نوجوان احساس بی‌توجهی و عدم پذیرش از طرف خانواده و اطرافیان و نزدیکان نموده و به‌نوعی حس تنهایی و ناامیدی بر او چیره می‌شود و معمولاً با بریدن از خانواده به سمت گروه‌های دیگری رفته و از کنترل خانواده خارج می‌شود. بنابراین بعضی از فرزندان به سمت فرار از منزل یا به‌نوعی درگیری با خانواده کشیده می‌شوند.

الف- نپذیرفتن فرد از طرف خانواده: فرد احساس می‌کند از طرف خانواده‌اش پذیرفته نشده و نسبت به او تبعیض وجود دارد و از طرف آنها طرد شده است.

«زمانی که کسی به خواسته‌های من توجه نمی‌کنه انگار که من تو زندگی اضافی‌ام، بارها شده که به خانواده گفتم یه چیز برام تهیه کنند اما وقتی که به من گوش نمیدن منم

مجبور میشم که خودم دست به کار شم و از طریق سرقت به خواسته‌ام برسم» (مشارکت کننده شماره ۱۷).

«تو زندگی اصلاً هیچ کی به من محل نمی داشت انگار نه انگار منم آدمم به خاطر همین منم از خانواده فاصله گرفتم و بیشتر وقتم رو با دوستانم که مثل خودم بودند می گذروندم» (مشارکت کننده شماره ۱۱).

ب- تبعیض در بین فرزندان از سوی خانواده: معمولاً در بعضی خانواده‌ها به دلایل مختلف نسبت به بعضی از فرزندان توجه بیشتری وجود داشته و یا فرزندان دیگر چنین احساس تبعیضی در درون خود دارند و خود را بیگانه حس می کنند.

«تو خانواده چون من فرزند کوچیک بودم اصلاً به من اعتنایی نداشتند، همه فکر و حواس پدر و مادرم به داداش بزرگ‌ترم بود، اون هرچی می خواست براش تهیه می کردند ولی برا من هیچ» (مشارکت کننده شماره ۵).

۲-۳- تجربه زندگی مجرمانه

تجربه زندگی مجرمانه اشاره به وضعیتی دارد که نوجوان در محیط خانواده، تجربه بازداشت و زندانی شدن اعضای خانواده، ارتکاب جرم توسط خود یا دیگر اعضای خانواده را داشته و جرم و بزهکاری در محیط خانواده نوجوان سابقه دارد. این امر می تواند منجر به فراهم شدن شرایط ارتکاب بزه، جرم و عادی سازی این پدیده برای سایر اعضا خانواده باشد. این مقوله از دو زیر مقوله زیر تشکیل شده است

الف- سابقه جرم در محیط خانواده: در میان اعضای خانواده و یا خویشاوندان نزدیک این افراد معمولاً افراد بزهکاری وجود دارد که گاه سابقه زندان هم دارند. چنین وضعیتی به عادی شدن بزه در این خانواده‌ها کمک می کند.

«پدرم قبلاً به دلیل سرقت به زندان افتاد و بعد از ۲ سال آزاد شد» (مشارکت کننده

شماره ۹).

«برادر بزرگ‌ترم کاروکاسبی‌اش با فروش شیشه بود، بعد چند سال گیر افتاد و به جرم فروش شیشه انداختنش تو زندان» (مشارکت کننده شماره ۱۱).

ب- همکاری با بزرگ‌ترها در ارتکاب به جرم: فرزندان در این خانواده‌ها معمولاً با بزرگ‌ترهای فامیل در انجام کارهای بزهکارانه همکاری و مشارکت نموده و انجام کارهای مجرمانه در بین این افراد عادی می‌باشد.

«با برادرم که کارش فروش مواد بود همکاری می‌کردم و تو خانواده و محله ما زندان رفتن عادی بود». (مشارکت کننده شماره ۱۵).

۲-۴- غلبه خرده‌فرهنگ لاتی و اوباشی‌گری

خرده‌فرهنگ لاتی و اوباشی‌گری در این پژوهش به جنبه‌های منفی رواج روحیات و ادبیات گفتاری و رفتار لمپنیسم و قلدری و خشن در بین نوجوانان اشاره دارد. این نوجوانان برای پذیرش و مورد تأیید قرار گرفتن در بین همسالان خود، دست به چاقو‌کشی، زورگیری، خشونت و پرخاشگری و گردن‌کلفتی‌گرایی پیدا می‌کنند. این افراد سعی می‌کنند با انجام ورزش‌های خاص، توانایی بدنی خود را افزایش داده و به این وسیله جایگاه اجتماعی خود را با قدرت بدنی نشان دهند و از خود دفاع کنند.

الف- کسب منزلت در بین همسالان با نمایش زور: معمولاً در بین نوجوانان و جوانان این محلات به خاطر سیستم ارزشی غالب در بین آنها قدرت و زور بدنی به منبعی برای جلب توجه همسالان دیگر و تثبیت جایگاه خود بدل شده است.

«برای اینکه دوستانم و هم‌محله‌ای‌ها روم حساب کنند باید طوری رفتار می‌کردم که پیش اونا فرد مهمی باشم، به این خاطر تو محله آگه با کسی دعوا می‌شد فوری طرف با مشت یا چاقو می‌زدم» (مشارکت کننده شماره ۱۸).

«با دوستانم تو خیابون راه می‌رفتیم کسی چپ‌چپ نگاه می‌کرد فوری برایش شاخ و شونه می‌کشیدیم و کار به بستن خیابون و کت‌کاری می‌کشید» (مشارکت کننده شماره ۲).

ب- کسب جایگاه اجتماعی با نمایش قدرت خیابانی: این افراد به خاطر کمبود سرمایه اجتماعی و فرهنگی، معمولاً به نمایش قدرت بدنی خود و یا انجام دعوای خیابانی و با تمسک به ارزش‌های جوانمردی سعی می‌کنند خود را به دیگران نشان داده و جایگاه خود را بهبود بخشند.

«یکی دو بار دعوام شد تو محله طرف با چاقو زدم، تو محله مدام اسم من سرزبون بود و بعضاً ازم تعریف می‌کردن و منم خوشم می‌اومد و کیف می‌کردم که این جور روم حساب می‌کنند و ازم می‌ترسند» (مشارکت کننده شماره ۵).

۳- عوامل مداخله‌گر

عوامل مداخله‌گر در هر پژوهش به عواملی گفته می‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرگذار بوده و با مداخله عوامل علی و زمینه‌ای دیگر را تقویت یا تضعیف می‌کنند. مقولات اصلی را می‌توان تحت دو عنوان: بزه به‌مثابه مردانگی و قدرت و بزه به‌مثابه امر عادی و روزمره برشمرد. یافته‌های مربوط به عوامل مداخله‌گر در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- عوامل مداخله‌گر بزهکاری

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
احساس قدرت در انجام دادن چاقوکشی و کیف‌قاپی و سرقت و زورگیری، احساس بزرگ شدن در خرید و فروش مواد مخدر و مصرف مشروب، نشان دادن قدرت مردانگی با انجام بزهکاری	عمل بزه به‌منزله نمایش قدرت و قوی بودن، عمل بزه به‌منزله نمایش بزرگ شدن و بلوغ	بزه به‌مثابه مردانگی و قدرت
توزیع زیاد مواد مخدر و مصرف آن در محل زندگی، عادی بودن سرقت و چاقوکشی نیاز به بزه برای گذران زندگی	نیاز به انجام بزه و جرم در زندگی روزانه، ناگزیر بودن انجام بزه	بزه به‌مثابه امر عادی و روزمره

۳-۱- بزه به مثابه نمایش مردانگی و قدرت

بزه به مثابه مردانگی در این پژوهش اشاره به وضعیتی دارد که در آن نوجوان انجام رفتارهای بزهکارانه مثل چاقو کشی، حمل سلاح سرد یا گرم، فروش مشروب و مصرف مواد مخدر را نشانه مردانگی و بزرگ شدن می‌داند و از این طریق در بین گروه همالان و بزرگ‌ترها احساس قدرت می‌کند.

الف- عمل بزه به منزله نمایش قدرت: انجام دادن رفتارهای بزهکارانه فرد را قوی نشان داده و می‌تواند با اتکا به ارزش‌های مردانگی جایگاه خود را در بین آنها تثبیت کند. «وقتی دعوا می‌شد فوری دست به چاقو می‌بردم حس بزرگی و مردانگی و قدرت بهم دست می‌داد و خوشم می‌اومد» (مشارکت کننده شماره ۱۴).
«بنظرم کاری که من انجام میدم به جور نترس بودن نشون میده، درسته دزدیه و مال خودت نیست، اما همین که مال مردم را مال خودت کنی به جراتی می‌خواه» (مشارکت کننده شماره ۲۷).

ب- عمل بزه به منزله بزرگ شدن و تکامل شخصیتی: رفتارهای بزهکارانه معمولاً به فرد احساس بزرگ‌تر بودن یا حس طی کردن مراحل رشد را با سرعت بیشتری می‌دهد. در این نوع محلات فرد دوست دارد زودتر بزرگ شود تا قوی شود و دیگران او را جدی‌تر بگیرند.

«تا خیلی از این کارها رونکنی یا بقول بچه‌ها تا کف خیابون نباشی مرد نمیشی. بخصوص وقتی انجامش میدی انگار بزرگ‌تر شدی خیلی از این کارها افتخارم داره و به آدم حس غرور میده» (مشارکت کننده شماره ۱۰).

۳-۲- بزه به مثابه امری عادی و روزمره

این مقوله اشاره به این نکته دارد که در بعضی از نقاط و محلات سطح شهر بزهکاری عادی تلقی شده و در آنجا رفتارهای مانند خرید و فروش مواد مخدر و استعمال آن و حتی سرقت و دزدی رفتارهای معمولی و روزمره هستند که چه بسا به شغل و معیشت فرد گره خورده و فرد برای رفع نیازهایش به آنها نیاز دارد.

الف- نیاز به بزه و جرم در زندگی روزانه: در بعضی از محلات شهر در فقدان مشاغل پایدار هیچ راهی برای تأمین نیازهای روزانه نبوده و حتی برای زندگی در چنین محلاتی نیاز به انجام رفتارهای بزهکارانه متقابل محلات وجود دارد.

«جایی که زندگی می‌کنیم این جور کارها مثل خشونت و جنگ و دعوا نیاز، اگر آدم آرام و ضعیف باشی اذیت میشی حتی به ناموست توهین می‌کنند. پس گاهی نیاز به مثل خودشون باشی تا کارت نداشته باشند، بعد مدتی می‌بینی میشی عین خودشون» (مشارکت کننده شماره ۶).

«تو محله ما فروش مشروب و مواد مخدر و دعواهای معتادها و فروشنده‌ها چیز عادی و به نوعی فروش این مواد شغل حساب میشه» (مشارکت کننده شماره ۳۰).

ب- شیوع انواع بزه در محل زندگی: در بعضی از محلات رفتارهای بزهکارانه همچون درگیری، سرقت، فروش مواد مخدر، ضرب و جرح و خشونت امری عادی و رایج است و روزانه مردم به دیدن این اتفاقات عادت دارند.

«در محل زندگی ما همه چی راحت انجام میدن از فروش مواد تا سرقت و چاقوکشی اینها همه عادی و اکثراً انجام میدن» (مشارکت کننده شماره ۱۷).

۴- راهبردها و فرآیندها

راهبردها و فرآیندها، شرایطی هستند که افراد را وادار می‌کند تا اقداماتی انجام دهند تا به پدیده مورد نظر دست یابند. کوربین و اشتراوس^۱ راهبردها را پاسخ‌ها یا واکنش‌هایی می‌دانند که افراد یا گروه‌ها به موقعیت‌ها، مسائل، اتفاقات و رویدادها نشان می‌دهند. (کوربین و اشتراوس ۲۰۱۵: ۴۸). با توجه به اطلاعات به دست آمده از منظر مشارکت کنندگان تحقیق، برآورده کردن نیاز و خواسته‌ها از طریق بزهکاری، ابزاری برای همنوایی با دوستان، کسب هویت با ارزش و سپری برای دفاع از خود و اطرافیان راهبردهای انجام بزهکاری هستند.

نتایج مربوط به راهبردها در جدول شماره ۶ مشخص شده است.

جدول ۶- راهبردها و استراتژی‌های بزهکاران

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
نیاز به برآوردن خرج بیماری والدین، نیاز به تأمین معاش خانواده، داشتن خواسته‌هایی فراتر از توان خانواده، پرجمعیت بودن خانوار، بسته بودن راه‌های سالم تأمین نیاز	ناتوانی خانواده در برآوردن نیازها، تأمین خواسته‌ها از راه‌های غیر مشروع	برآورده کردن نیاز و خواسته‌ها از طریق بزهکاری
ارتباط با دوستان بزهکار، تلاش برای پذیرش در جمع دوستان، تقلید از دوستان، پاسخی به تحقیر دوستان، جذب در گروه به‌شرط هم‌نوایی با دوستان و انجام بزهکاری، وجود نوعی رقابت بین همسالان	مشروط بودن پذیرش جمعی به انجام بزه، غلبه الگوی بزهکاری در بین همسالان	ابزاری برای هم‌نوایی با دوستان بزهکار
معروف بودن در بین محله، تلاش برای جلب توجه همسالان و همسایگان	میل به رسیدن به جایگاه همسالان بزهکار، میل به کسب جایگاه بالاتر در سطح محله و جامعه	کسب هویت باارزش
حفاظت از خود و خانواده، قوی کردن خود در مقابل خشونت دیگران، جلوگیری از تعرض به ناموس و خانواده، مانع شدن از آزار دیگران، پاسخ به خشونت دیگران	بزهکاری راهی برای جلوگیری از تجاوز دیگران، بزهکاری پاسخ متقابل به خشونت	سپری برای دفاع از خود و اطرافیان

۴-۱- برآورده کردن نیاز و خواسته‌ها از طریق بزهکاری: برخی از نوجوانان

بزهکار اذعان داشتند که به خاطر برآورده کردن نیاز و خواسته‌ها و عدم تأمین نیازها از طرف خانواده به بزهکاری روی آورده‌اند. به عبارتی در نبود مکانیسم‌های مشروع برای پاسخ به نیازها، بزهکاری وسیله و راهبردی برای رسیدن به خواسته‌ها می‌باشد. مخصوصاً در نظر آوریم که راه‌های مشروع برای تأمین این خواسته‌ها در کل جامعه به‌خصوص برای افراد و خانواده‌های فقیر محدود است.

الف- ناتوانی خانواده در برآوردن نیازها: ناتوانی خانواده در تأمین نیازها و

خواسته‌های نوجوان باعث می‌شود فرد خودش به دنبال تأمین نیازهایش باشد.

«همیشه دوست داشتم موتور زیر پام باشه و باهاش کارهام رو انجام بدم، وقتی خانواده نتونست برام بخره، به فکرم رسید که دست به سرقت بزنم و با پولش یه موتور برا خودم بخرم» (مشارکت کننده شماره ۳).

«ما خانواده بدبخت و بدشانسی هستیم، پدرم به جرم فروختن مواد تو زندان و برادرم خودکشی کرد، مادرم سرطان وخیم داره و هزینه‌اش بالا، چاره نداشتم جز سرقت که پولی جور کنم برا خرج دوا و دکتر مادرم» (مشارکت کننده شماره ۷).

ب- تأمین خواسته‌ها از راه‌های غیر مشروع: معمولاً این افراد فکر می‌کنند وقتی

راه‌های مشروع برای تأمین نیازها و خواسته‌هایش محدود است ناچار هستند و حتی حق دارند به روش‌های غیرمشروع و غیرقانونی برای تأمین نیازهایشان روی می‌آورند.

«من اگر کار بود و می‌توانستم شغل خوبی داشته باشم که دنبال کار خلاف نمی‌رفتم» (مشارکت کننده شماره ۵).

«ما هم دل داریم. دوس داریم خوب بپوشیم و خوب زندگی کنیم و ما را تحویل بگیرند. وقتی امکانش را نداریم مجبوریم بریم به سمت دزدی» (مشارکت کننده شماره ۷).

۴-۲- ابزاری برای همنوایی با دوستان: فشار و نفوذ گروه همسالان وسیله‌ای

برای تشویق و یا اجبار به بزهکاری می‌باشد. بزهکاری وسیله‌ای برای همنوایی و جذب در گروه همسالان بزهکار است.

الف- مشروط بودن پذیرش جمعی به انجام بزه: این افراد معمولاً شرط ورود به

جمع‌های همسالان را انجام بزهکاری می‌دانند. چون به نحوی باید فرد را هم آلوده کرد تا بعداً دیگران را لو ندهد.

«وقتی با رفیق هستی، باید کاری که اونا می‌کنن رو انجام بدی و به اصطلاح پایه باشی تا

راحت بدن» (مشارکت کننده شماره ۹).

«دوستام گفتن آگه می‌خوای مورد توجه ما باشی، هر کاری می‌کنیم باید انجام بدی، این بود که رفتیم سرقت و گیر افتادیم» (مشارکت کننده شماره ۱۹).

ب- غلبه الگوی بزهکاری در بین همسالان: در میان چنین گروه‌های تیپ بزهکار غلبه هنجاری داشت و به نوعی افراد با سابقه، الگوی رفتاری خودشان را به افراد جدیدتر تحمیل می‌کردند. معمولاً دیگر تیپ‌ها را تحقیر می‌کردند. «وقتی از کنار دوستان رد می‌شدی مسخره‌ات می‌کردن می‌گفتن بین طرف جرات کشیدن یه سیگار هم نداره، سوسوله» (مشارکت کننده شماره ۱۹).

۴-۳- کسب هویت‌های بزهکارانه به مثابه یک ارزش

هویت بزهکارانه در چنین محلاتی معمولاً با بیان نوعی روایت‌های غلوآمیز و حتی غیرواقعی از افراد بزهکار با سابقه گره خورده و آنها را افرادی با ارزش و قهرمان توصیف می‌کنند. این روایت‌ها موجب شده که کسب چنین هویت‌هایی با ارزش تلقی شده و افراد به دنبال کسب چنین هویت‌هایی باشند.

الف- میل به رسیدن به جایگاه همسالان بزهکار: این افراد هر یک دوست دارند در محله خود به قهرمان در یک موضوع خاص بزهکاری شناخته شوند و حتی به نوعی رقابت بین آنها بر سر کسب چنین عناوینی وجود دارد.

«جایی که ما زندگی می‌کنیم آگه کسی دست بزن داشته باشه و به اصطلاح خلافکار هم باشه روش حساب می‌کنند و باهاش معج میشند» (مشارکت کننده شماره ۵).
«همیشه دوست داشتم با خلافکارهای معروف محله دوست بشم و با اون‌ها دم‌خور باشم، آخه بقیه قبولشون داشتند و می‌گفتند داش مشتی‌اند» (مشارکت کننده شماره ۶).

ب- میل به کسب جایگاه پرزور در سطح محله و جامعه: معمولاً این افراد دوست دارند در جامعه به افرادی قلدر و قوی شناخته شده باشند. گرچه برداشت‌های منفی از این صفات هم وجود دارد ولی برای این افراد مطرح شدن در جامعه ولو با صفاتی منفی اهمیت داشت.

«تو مدرسه ما هرکی خشن تر و دست بزن داشته باشی سریع اسمت رو زیون میفتاد، منم دوست داشتم مطرح بشم و این بود که مدام تو دعوا بودم» (مشارکت کننده شماره ۸).

۴-۴- رفتار بزهکاری به عنوان سپری برای دفاع:

بعضی از این افراد معتقد بودند بزهکاری در این محلات سپر دفاعی در مقابل تجاوز به حقوق و جان و مال آنها در مقابل افراد بزهکار دیگر بوده است. به این معنا که در این محلات افراد کم زور و یا مؤدب را تحقیر نموده و آنها و خانواده شان را مورد آزار قرار می دهند. بنابراین رفتار بزهکارانه یا تظاهر به انجام آن به فرد نوعی مصونیت می دهد که می تواند از تجاوز دیگران مصون باشد.

الف- بزهکاری راهی برای جلوگیری از تجاوز دیگران: در چنین جوامعی افراد معتقد بودند که برای گرفتن حق خود یا جلوگیری از تجاوز دیگران ناچار به استفاده از حدی از خشونت یا بزهکاری هستید. چرا که اگر فکر می کردند فرد ضعیفی هستی به حق شما تجاوز می شد.

«من چند بار مورد آزار و اذیت قرار گرفتم بنابراین ناچار شدم حداقل خودم را خلاف و پر قدرت نشون بدم تا دیگه کسی طرف من و خانواده ام نیاد» (مشارکت کننده شماره ۱۸).

ب- بزهکاری پاسخ متقابل به خشونت: بزهکاری می تواند گاهی واکنش متقابل از طرف کسی برای جواب به تعدی و تجاوز دیگران باشد. معمولاً در جاهایی که فضای تأمینی و حفاظتی ضعیف است افراد خود با دست زدن به رفتار بزهکارانه حق خود و یا حداقل انتقام خود را می گیرند.

«بارها می دیدم این افراد لات به خواهرم تیکه مینداختن من هم زورم می اومد. دوست داشتم روزی قوی بشم و من هم بتونم باهاشون بجنگم» (مشارکت کننده شماره ۱۰).
«حداقل ژست آدم های خلافکار می گرفتم تا ازم بترسن و سراغ خودم و خانواده ام نیان» (مشارکت کننده شماره ۷).

۵- پیامدها

پیامدها را می‌توان خروجی‌های ناشی از راهبردها هستند. در این قسمت به پیامدهایی پرداخته می‌شود که در سطوح مختلف و به صورت منفی و گاه مثبت بر افراد بزهکار گذاشته می‌شود. یافته‌های مربوطه در سه سطح فردی و خانوادگی و اجتماعی در جدول شماره ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷- پیامدهای بزهکاری

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
بالا رفتن ارزش بین دوستان، انگ و برچسب بزهکار خوردن، تعریف فرد به عنوان خلافکار توسط جامعه، طرد شدن از سوی اقوام و خویشاوندان و هم‌محله‌ای‌ها، احساس پشیمانی در بین دیگران، احساس قدرت بین دوستان	کسب منزلت بالا در بین همسالان و منزلت پایین در جامعه، دوگانه احساس هم‌زمان شرمندگی و قدرت	پیامدهای فردی
ایجاد تصویر منفی از خانواده در بین همسایه‌ها و خویشاوندان، بالا رفتن سطح خشونت و درگیری بین اعضای خانواده، طرد فرد بزهکار از خانواده، کاهش اعتبار خانواده، عادی شدن بزه در میان اعضای خانواده	تضعیف اعتبار خانواده و طرد آنها در محله، ایجاد تنش و اختلاف در محیط خانواده	پیامدهای خانوادگی
افزایش خشونت و آسیب‌های اجتماعی در محله، برچسب منفی محل زندگی بزهکار، افزایش ترس از جرم در مناطق حاشیه‌ای، تحقیر افراد ساکن محله و طرد آنها توسط دیگران	عادی شدن بزهکاری و برند شدن منفی محله طرد اجتماعی	پیامدهای اجتماعی

۵-۱- پیامدهای فردی

الف - کسب منزلت بالا در بین همسالان و منزلت پایین در جامعه: فرد بعد از اینکه وارد کانون می شود و یا آزاد می شود از طرف دوستانش به عنوان فردی مهم و ارزشمند و با سابقه مطرح شده ولی از طرف مردم به عنوان فردی بدنام و خطرناک برچسب می خورد. «وقتی از کانون بیرون اومدم و بعد مدتی دوستانم دیدم، کلی تحویل گرفتند و بیشتر روم حساب می کردند، به نوعی احساس می کردم که قدر و منزلتم بیشتر شده» (مشارکت کننده شماره ۱۷).

«بار اول که از کانون بیرون اومدم همه منو به چشم خلافکار می دیدند یعنی آگه تو محله هر چیزی به سرقت می رفت، فوری می گفتند کار منه» (مشارکت کننده شماره ۲).

ب- دوگانه هم زمان احساس شرمندگی و قدرت: فرد بزهدکار بعد از عکس العمل های مثبت دوستان و همسالان بزهدکار احساس قدرت و توانایی می کند ولی بعد از دریافت واکنش های منفی مردم و طرد آنها احساس شرمندگی می کند. این دوگانه شرمندگی و قدرت باعث شکل گیری نوعی تعارض اخلاقی در فرد می شود.

«وقتی که از کانون آزاد شدم مثل اینکه هیچی تغییر نکرده بود همه دوباره من سرزنش می کردند که چرا مرتکب خلاف شدم هرچی نوم نسق (الفاظ زشت و رکیک) بود بارم کردند» (مشارکت کننده شماره ۹).

«وقتی نگاه مردم را می بینم احساس ندامت و پشیمونی دارم ولی وقتی بین دوستانم هستم احساس قدرت و مردونگی دارم» (مشارکت کننده شماره ۱۳).

۵-۲- پیامدهای خانوادگی

بزهدکار شدن فرد و برچسب خوردن او بعد از بازگشت از ندامتگاه یا بازداشت و حتی رواج شایعاتی در مورد او موجب تأثیراتی برای خانواده اش می شود.

الف: تضعیف اعتبار خانواده و طرد آنها در محله: فرد بزهدکار باعث تضعیف جایگاه خانواده خود می شوند و حتی بسیاری از خویشاوندان و همسایگان خواهان برقراری ارتباط با این خانواده و دیگر پیوندهای اجتماعی نمی باشند.

«وقتی دست به سرقت زدم، همسایه‌ها و بعضی اقوام دیدشون نسبت به خانواده ما منفی شد و می‌گفتند اینا خانوادگی دزدند و گرنه این بچه شون این کار رو نمی‌کرد» (مشارکت کننده شماره ۱۷).

«من غلطی کرده بودم و داداش کوچیکم بعد مدتی نسبت به درس و مشقش کم توجه شد. بابام می‌گفت اینها از تو یاد گرفتن» (مشارکت کننده شماره ۱).

ب- ایجاد تنش و اختلاف در محیط خانواده: فرد بزهکار بعد از برگشت از کانون باعث می‌شد که خانواده وی را به خاطر رفتارهایش مورد سرزنش قرار داده و خواهان تغییر رفتار او هستند و به خاطر رفتارش یا واکنش‌های منفی مردم، با هم درگیری پیدا می‌کنند. «بعد اینکه دزدی کردم و از کانون آزاد شدم، تو خانواده مدام جروبحث بود بین مادر و پدرم و هر کدوم اون یکی مقصر می‌دونست در تربیت من و گاهی کارشون به خشونت فیزیکی هم می‌کشید» (مشارکت کننده شماره ۱۲).

«خانواده‌ام دیگه از دستم کلافه شدن بودن و تا جایی که مادرم نفرینم می‌کرد که خدا منو بکشه از شر من خلاص بشن» (مشارکت کننده شماره ۳).

۵-۳- پیامدهای اجتماعی

پیامدهایی که بزهکار شدن افراد زیادی از یک محله بر محیط پیرامون فرد و حتی دید عمومی مردم نسبت به محله فرد بزهکار می‌اندازد.

الف: عادی شدن بزهکاری و برنند شدن منفی آن محله: وقتی چنین افراد بزهکاری به محله خود برمی‌گردند معمولاً با بیان تجربیات خود به نوعی به عادی شدن بزهکاری در جامعه دست می‌زنند و این باعث می‌شود که معمولاً بزه و جرم در این محله عادی می‌شود و دیگران این محله را با این صفات منفی بشناسند.

«هر جا می‌رفتم چه تو محله خودمون چه محلات دیگه برا ورزش و فوتبال و گشت و گذار، همیشه آخر کارمون به درگیری و زدوخورد کشیده می‌شد» (مشارکت کننده شماره ۱۶).

«کار من فروختن شیشه بود، اکثر افرادی هم که مشتریم بودن سن شون کم بود، بعضی وقت ها پول مواد نداشتن و منم بهشون نمی دادم بعد چند ساعت می اومدن با پول، می گفتم تو که پول نداشتی، می گفت نداشتیم ولی کیفی قاپی کردیم» (مشارکت کننده شماره ۱۰).

ب: طرد اجتماعی: چنین افرادی بعد از برجسب خوردن به مرور از جامعه طرد شده و دیگر امکان ارتباط سالم با افراد دیگر جامعه را ندارند. این شرایط باعث طرد بیشتر آن ها و سوق دادن آنها به سمت بزهکاری می شود. حتی گاهی این افراد با گرفتن نوعی انتقام از اقشار دیگر جامعه دست به انتقام و خشونت می زنند و این باعث بدنامی بیشتر محله آنها می شود.

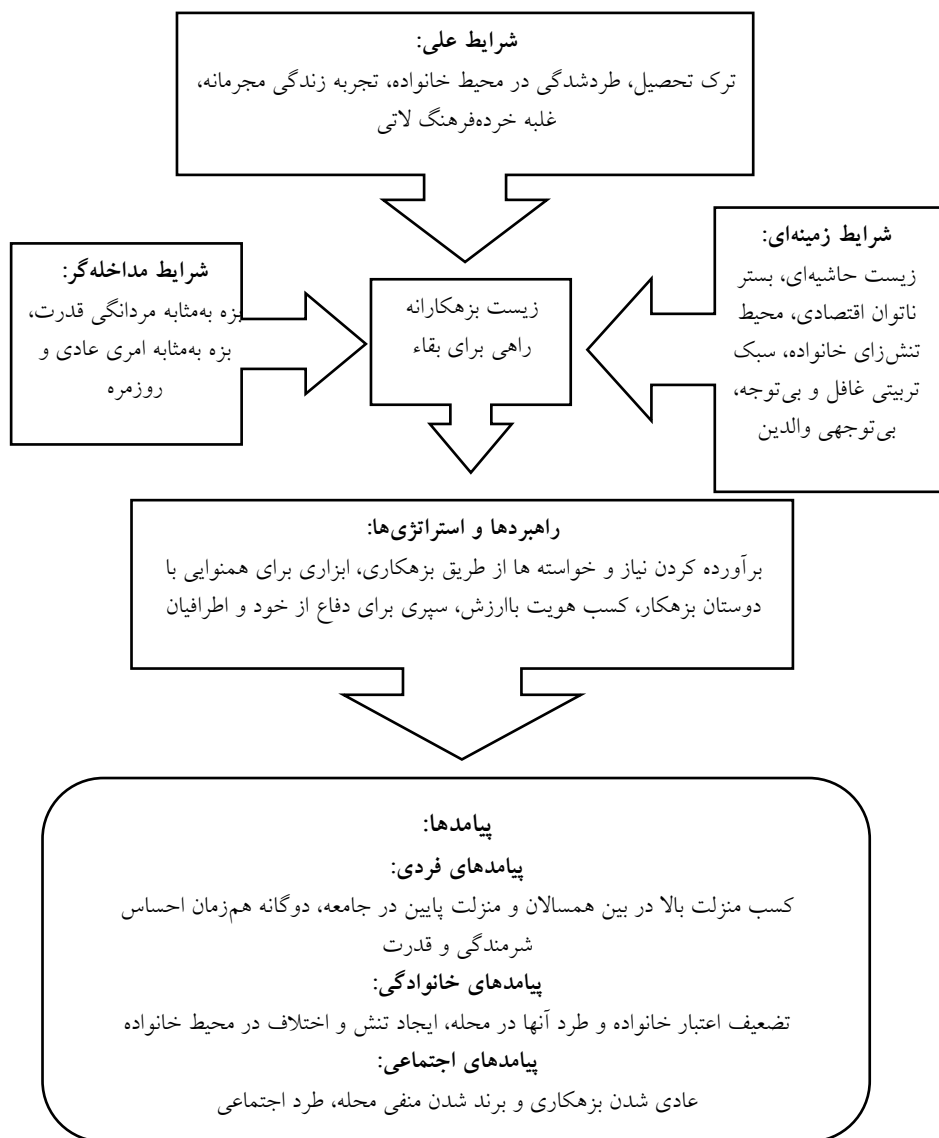
«بعد از آزادی از کانون هر جا دنبال کار می رفتم وقتی سابقه ام را می فهمیدن، مال کدوم محل هستم و سابقه ام چی بوده، زود جوابم می کردن» (مشارکت کننده شماره ۸).

«تو این جامعه ما را آدمی می بینند که دیگه تا آخر عمرمون همون خلاف هستیم. بابا ما یک بار غلط کردیم، اخه باید تا آخر عمر باید برجسبش رو پیشونی مون باشه، کسی اینو بارو نمی کنه. ما هم عوض بشیم». (مشارکت کننده شماره ۱۳).

۶- مقوله محوری: زیست بزهکارانه راهی برای بقاء

با توجه به خط سیر یافته های تحقیق می توان گفت که جمیع شرایط، زمینه، علل، راهبردها و پیامدها، نوجوان را به این نتیجه می رساند که بزهکاری را به مثابه شیوه ای برای بقاء در زندگی انتخاب کند. یعنی در چنین زمینه ای بعضی از این افراد انتخابی جز این ندارند و این شیوه زندگی بر افراد تحمیل می شود. افراد بنا به ویژگی های زمینه ای متأثر از این فشارها طیفی از حالات مختلف زندگی بزهکارانه را انتخاب می کنند. اگرچه این سبک زندگی بزهکارانه دارای مراتب و سطوح مختلفی از بزه های کوچک (دزدی های کوچک و مصرف مواد) تا جرائم بزرگ (خرید و فروش مواد مخدر) می باشد ولی کمتر خود را در آمار و مشاهدات روزانه نشان می دهد ولی در حالت عادی در زیست روزمره افراد وجود دارد و با آن زندگی می کنند و تقریباً عادی هم شده است.

بنا بر یافته‌ها تشریح شده در جداول فوق و مقوله هسته‌ای به دست آمده، می‌توان مدل پارادایمی موجود در شکل یک را پیشنهاد داد.



شکل ۱- مدل پارادایمی زیست بزهکارانه نوجوانان محلات کم برخوردار شهر خرم‌آباد

بحث و نتیجه‌گیری

در خط سیر داستانی پژوهش کیفی، پیچیدگی‌های خاص موضوع مورد مطالعه و همچنین تنوع و ناهمگونی روایت‌ها، پیوندها و مضامین مشترک میان روایت‌ها و تجربیات زیسته آشکار می‌شود. در این مقاله روایت ۳۰ نفر از نوجوانان محلات کم برخوردار شهر خرم‌آباد که در سال‌های اخیر به خاطر ارتکاب رفتار بزهکارانه در کانون اصلاح تربیت مددجو بوده‌اند مورد تحقیق قرار گرفته است. همان‌طور که کوربین و استراوس^۱ عنوان کرده‌اند، فرایند تحلیل و تجارب زیستی مشارکت‌کنندگان در یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک خط داستان بزرگ‌تر منتهی شود. این خط داستان، در واقع ماحصل مفهوم‌سازی و ارائه شرحی انتزاعی و چکیده‌ای از داستان‌های فردی است (کوربین و استراوس ۱۷۹:۲۰۱۵).

آنچه باعث شده یافته‌های این تحقیق وجه برجسته‌ای پیدا کند شکل‌گیری روایتی از داستان بزهکار شدن نوجوانان است که از ابتدا تا پایان خط بزهکاری یعنی زندان را تجربه کرده و بعضاً نیز به زندگی عادی برگشته و پیامدهای زندانی شدن را بر هویت خود پس از آزادی تجربه کرده‌اند. بنابراین در این قسمت بر مبنای صدای مددجویان، روایت زندگی آنها را می‌توان چنین آغاز کرد:

فردی که در یک محیط حاشیه‌ای و خانواده‌ای فقیر، سرپرست بیکار، پرجمعیت و با سابقه بزهکاری متولد می‌شود، از همان روزهای اول زندگی، سایه کمبود امکانات زندگی، فقر، برجسب منفی محله‌ای و زیست در خانواده‌ای پرتنش و نابسامان را نیز بر پیشانی خود حمل می‌کند. در این خانواده‌ها فرزند از همان روزهای اول زندگی مجبور است با کمترین حمایت خانواده بزرگ شده و خود راه رسم و زندگی را بیاموزد و هیچ‌کس چیز خوبی به او نمی‌آموزد و خود معلم زندگی خویش شود. در محله‌ای زندگی می‌کند که بزهکاری امری عادی تلقی شده و بسیاری از ساکنین این محلات حاشیه‌نشین،

1. Corbin & Strauss (2015)

بزهکاری را به عنوان شیوه زندگی معمول و عادی بکار می‌برند تا جایی که در حافظه جمعی محله، بزهکاران پیشین محله، قهرمانان اسطوره‌ای امروز هستند و نوجوان آرزوی رسیدن به جایگاه آنان را دارد.

همچنین اقدام به بزهکاری در این محلات گاهی نشانه قدرت و مردانگی و رسیدن به بلوغ است. در جامعه‌ای که حتی نهاد خانواده نیز نقش حمایتی برای این نوجوانان به عهده ندارد آنها باید با نمایش بزهکاری خود را بزرگ تر نشان دهند تا وظیفه حمایت از خویش و دیگر نزدیکانش را خود انجام دهند. او از بزه سپری برای دفاع از خود و اطرافیان می‌سازد و با بزهکاری در بین همسالانش و محله قدرتی به دست آورده و جایگاه اجتماعی و هویت بالایی کسب می‌کند تا در میان دوستان و همالان خود بهتر پذیرفته شوند و از این طریق بتواند نیازهای مادی و اولیه و هویتی خویش را تأمین کند.

در اینجا نوجوانی که به خاطر شرایط خانواده ترک تحصیل نموده و از محیط خانواده طرد شده و از طرف خانواده حمایتی نمی‌بیند و یا در محیط پیرامون خویش تجربه زندگی مجرمانه دارد، راه بزهکاری را پیش روی خود هموارتر می‌بیند. بزهکاری معمولاً یک انتخاب شخصی و بر مبنای تمایل فرد نیست بلکه یک تحمیل از طرف شرایط نامناسب اجتماعی بر این افراد می‌باشد. نوجوانان بزهکاری می‌شوند تا زنده بمانند و جایگاه اجتماعی مناسبی در اجتماع محلی خود داشته باشند. وقتی خانواده هزینه تحصیل در مدرسه را ندارد و حتی این کودک مجبور است برای تأمین نیاز خانواده کار کند و یا در مقابله با افراد قلدر محله مجبور است قوی باشد تا بتواند امنیت خود و خانواده‌اش را حمایت کند.

اینجا انتخابی جز بزهکاری ندارد، چرا که در این جامعه نهادهایی متولی که باید او را حمایت کنند چنان ناکارآمد شده‌اند که هیچ دست حمایت‌گری جز برای زندانی شدنش به سوی او دراز نمی‌شود، ناگزیر به بزهکاری می‌افتد و با ورود به مراحل مختلف بزهکاری همیشه سایه احساس دوگانه شرمندگی و قدرت را بر خود حس می‌کند و می‌داند که اعمال ناپسندش شاید او را در چشم دیگران خوار و خفیف کند ولی حداقل او را واجد قدرتی می‌کند که می‌تواند دیگران را بترساند تا او را جدی تر بگیرند. گرچه این را می‌داند

که انتهای این راه به زندان و نابودی ختم می‌شود ولی می‌داند که باید این راه را تا انتها برود، چون تنها راه بقاء او در چنین محلاتی این مسیر می‌باشد.

از این روست که می‌توان گفت زیست بزهکارانه تنها راه و شیوه بقاء افراد در چنین محلاتی و با این شرایط اجتماعی خاص می‌باشد. روایتی که در بالا گفته شد تنها بیان شاعرانه و زیباشناسانه محققین نیست، بلکه عصاره و چکیده سرنوشت افرادی است که پشت هر کدام از واژه‌ها، نقل و قول و کدها و مفاهیم و مقولات نهفته و به صورت سیستماتیک بهم وصل شده تا این روایت را تولید کرده‌اند و ما آن را به عنوان روایت بر ساخت کرده‌ایم.

در قسمت بعدی به بسط بعضی از مقولات مهم تحقیق و تشابه و تفاوت آنها با دیگر تحقیقات انجام شده می‌پردازیم شاید بتوان نکات برجسته تحقیق را بیشتر نمایان کرد.

بنا بر یافته‌های پژوهش زندگی در نقاط حاشیه‌ای شهر خرم‌آباد منجر به دوگانه‌ای از احساس طرد اجتماعی و احساس محرومیت شده که زیست حاشیه‌ای برای افراد این مناطق فراهم آورده است. از دیدگاه نوجوانان بزهکار، آن‌ها جز فراموش شدگان در یک نظام اجتماعی ناعادلانه هستند. آن‌ها با بیان تجربه بزهکاری باور داشتند: شرایط اقتصادی سخت فشار فزاینده‌ای را بر زندگی و گذران نیازهای زندگی آنان وارد کرده است، این شرایط در کنار عدم پیوند اعضای خانواده و سبک تربیتی که والدین در خانواده‌ها دارند که به صورت بی‌توجهی توأم با انتظاراتی بیش از توان یک نوجوان بستر و زمینه بزهکاری را در مناطق فرودست شهر خرم‌آباد ممکن کرده است. طبق یافته‌ها پژوهش، بزهکاری فرد در مناطق حاشیه‌ای ناشی از میزان کمیابی طبیعی و کمیابی ناشی از نابرابری در درون ساخت جامعه است. اگر این چنین باشد سازوکاری در جامعه وجود دارد که بزهکاری را باز تولید می‌کند این یافته در پژوهش گوتیندر (۲۰۰۵) نیز نشان داده شده است که میزان جرم و بزهکاری در مناطق شهری یکسان و یکنواخت پخش نشده‌اند بلکه آن‌ها در فقیرترین بخش‌های شهر اتفاق می‌افتند.

از طرفی بزهکاری در نظام معنایی نوجوان به‌عنوان پدیده‌ای ریشه در ارتباط به‌هم پیوسته: شرایط عینی و فرایندهای ذهنی نوجوان دارد. درک او از این پدیده با رابطه اجتماعی نسبت دارد: بدین صورت که گاهی این پدیده را با واکنش مثبت دوستان امری منزلت جویانه و توأم با قدرت معنا می‌کند و زمانی دیگر با طرد اجتماعی و برجسب غیررسمی دیگران مواجه می‌شود، آن را عملی توأم با پشیمانی و ندامت تفسیر می‌کند. بنابراین در مراحل مختلف ارتکاب بزهکاری به‌عنوان لذت و در موقعیت دیگری ناشی از طرد اجتماعی به‌عنوان ندامت تفسیر می‌شود و در مراحل دوگانه لذت و هیجان خواهی و پشیمانی و ندامت تأکید دارد.

ازجمله نتایج دیگر پژوهش شیوع بزهکاری در بستر ناتوان اقتصادی می‌باشد. طبق پژوهش لهستانی زاده (۱۳۹۱) هراندازه افراد ساکن مناطق حاشیه‌نشین احساس کنند با دیگران هم‌نوعان خود فاصله اجتماعی و اقتصادی بیشتری دارند احساس نارضایتی در آنها بیشتر شده و برای جبران این وضعیت به هر ابزاری ممکن است دست بزنند. نتایج پژوهش با پژوهش کرد علیوند و مبارکی (۱۳۹۷) همخوانی ندارد که طی آن بین احساس محرومیت نسبی و اقدام به بزهکاری رابطه وجود ندارد. این یافته با پژوهش زمانی مقدم و حسونندی (۱۳۹۵)، دالوند و همکاران (۱۳۹۴)، قدم پور و همکاران (۱۳۹۸) همخوانی دارد که طی آن طرد نوجوان از محیط خانواده زمینه بزهکاری نوجوان را فراهم می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر بر یادگیری بزهکاری در خرده‌فرهنگ منحرف تحت عنوان خرده‌فرهنگ لاتی و اوباشی‌گری جهت کسب جایگاه اجتماعی اشاره دارد. این خرده‌فرهنگ مورد تکریم و توجه در بین همسالان و سایر اعضای جامعه‌ای می‌باشد که فرد به آن تعلق دارد و سعی می‌کند با تمسک به ارزش‌های آن جامعه هویت بهتری کسب کند. خطر اصلی آنجاست که در چنین جامعه حتی اگر به ارزش‌های لاتی و رفتار آنها بی‌توجه باشید برای دفاع از خود در مقابل آنها مجبورید که خود را مثل آنها نشان دهید تا تعادل قدرت ایجاد کنند و از طرف آنها مورد آسیب قرار نگیرند. بنابراین یکی از یافته‌های مهم این تحقیق تأثیر غلبه خرده‌فرهنگ لاتی و اوباشی‌گری در این محلات بر نوجوانان و تأثیرات ناخودآگاه آن بر ذهن آنها اشاره دارد.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که افراد جامعه هنگامی که احساس کنند در شرایط ناعادلانه‌ای قرار دارند دست به اعمالی می‌زنند که در خلال آن بتوانند خود را نشان دهند و برای دستیابی به حقی که پایمال شده بزهکاری مرتکب شوند. این یافته با نتایج تحقیق زمانی مقدم و حسونندی (۱۳۹۸) همخوانی دارد که بیان می‌کند: در مناطقی که گروه‌های بزهکاری غلبه داشته و جمعیت جوان‌تری دارد و همچنین ساکنان پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی ندارند، بزهکاری به‌عنوان خرده‌فرهنگ رایج در درون هنجارهای کلی جامعه قرار می‌گیرد و از این طریق احساس زیست ناعادلانه ناشی از طرد و محرومیت را جبران می‌کنند و جایگاهی در جامعه کسب می‌کنند طبق دیدگاه ساترلند از این منظر نوجوان ترغیب می‌شود که بزهکاری را نه تنها به‌عنوان پدیده‌ای مذموم درک نمی‌کند بلکه به‌عنوان عملی تفسیر می‌کند که همراه با پذیرش و ترغیب گروه همالان می‌تواند حس لذت‌جویی و هیجان خواهی نیز داشته و نقض هنجارها و قواعد اجتماعی مرسوم می‌تواند به‌عنوان عملی هیجانی و لذت‌بخش تلقی شود.

از جمله شرایط مداخله‌گر در اقدام به بزهکاری، وجود بزه به‌مثابه مردانگی و زندگی در کانون‌های جرم خیز است. می‌توان گفت بزهکاری نوجوانان از طریق دسته‌ای از ارزش‌ها گسترش می‌یابد که مشخصه‌های آن میل به کسب یک امتیاز بزرگ و پذیرش خودسری تجاوزگرانه به‌عنوان شهادی بر مردانگی دانست. مصاحبه‌شوندگان باور داشتند بزهکاری نشانه شجاعت، قدرت و گاهی افتخار هم می‌تواند باشد.

طبق یافته‌های این پژوهش بزهکاری دارای پیامدهایی در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌باشد. به‌طوری که کسب و جایگاه منزلت در بین همسالان بزهکار، انگ و برچسب کانون خوردن، طرد شدن از سوی همسالان و اقوام در سطح فرد به همراه دارد. همچنین ایجاد تصویر منفی از خانواده خود در بین همسایه‌ها و خویشاوندان، عادی شدن و ایجاد بستر برای رفتار بزهکارانه برای سایر اعضا خانواده، بالا رفتن سطح درگیری در بین خانواده از جمله پیامدهای خانوادگی بزهکاری نوجوانان هستند. افزایش خشونت در جامعه، افزایش آسیب‌های اجتماعی در جامعه، بزهکار به‌مثابه یک تهدید، انگ مکانی و ترس از جرم در مناطق حاشیه‌ای از جمله پیامدهای مهم بزهکاری در سطح جامعه شناخته شده هستند.

در پایان می‌توان گفت تا شرایط و راهبردها و پیامدهای بزهکاری به صورت هم‌زمان در نظر گرفته نشوند بزهکاری همچنان با بازتولید خود در این محلات به عنوان یک شیوه زندگی و در پاسخ به نابرابری‌های اجتماعی تداوم خواهد یافت.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه فقر و مشکلات مالی و اقتصادی خانواده در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر است، بنابراین، به منظور جلوگیری و کاهش بزهکاری در سطح جامعه، مجموعه حاکمیت می‌بایست نسبت به بهبود وضعیت معیشتی اعضای جامعه به خصوص اقشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه حساس بوده و نسبت به توانمندسازی اقتصادی، ایجاد اشتغال و کارآفرینی اهتمام جدی داشته باشد.

- پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های زندگی و نحوه مقابله با مشکلات به نوجوانان به عنوان یک عامل بازدارنده از ارتکاب بزه از طریق مدارس و سازمان‌های مردم‌نهاد و دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی گسترش پیدا کند.

- پیشنهاد می‌شود والدین و اعضای خانواده زمان بیشتری را به تربیت فرزندان خود اختصاص داده و همچنین نظارت و کنترل صحیح و منطقی بر رفت و آمد و معاشرت فرزندان و نوجوانان خود داشته باشند.

- پیشنهاد می‌شود مراکز فرهنگی، تفریحی، ورزشی و هنری در مناطق مختلف شهری به خصوص در محلات حاشیه‌ای و کمتر برخوردار گسترش پیدا کند تا اوقات فراغت نسل نوجوان را به سمت فعالیت‌های مثبت و سازنده هدایت کرده و از گرایش آنان به بزهکاری کاسته شود.

- پیشنهاد می‌شود دستگاه‌ها و نهادهایی که با امور نوجوانان و جوانان سروکار دارند، برنامه‌هایی جهت غنی کردن اوقات فراغت نوجوانان تدارک دیده و نوجوانان را به سمت این قبیل فعالیت‌ها سوق دهند.

- موضوع انگک محله‌ای و انگک مکانی و طرد اجتماعی ساکنین این محلات را باید به صورت جدی مورد توجه قرار داد و با اقدامات فرهنگی مانع تأثیرات جدی این کلیشه‌ها بر روی زندگی ساکنین این محلات شد.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه در اکثر خانواده‌ها از پذیرش نوجوانان پس از رفتن به کانون، امتناع می‌کنند خانواده مددجویان به طور مداوم مورد آموزش قرار گیرند تا با پذیرش نوجوان پس از آزادی و حمایت‌های مادی و معنوی از او، امکان تکرار بزه و بازگشت او را به جرم و بزه کاهش دهند.

پیشنهاد‌های پژوهشی:

- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به منظور غنی تر شدن مطالب و افزایش اعتبار و تعمیم‌پذیری یافته‌ها، از نوجوانان سایر شهرها و در صورت امکان به صورت بین فرهنگی در سایر استان‌های هم‌جوار، پژوهش‌های مقایسه‌ای انجام شود.

- پیشنهاد می‌شود تحقیق در مورد بزهکاری نوجوانان به صورت ترکیبی (کمی و کیفی) انجام گیرد.

ملاحظات اخلاقی تحقیق:

ملاحظات تحقیق در اینجا نوع برخورد ما با نوجوانان بود که به خاطر شکنندگی مرور تجربه آنها، تلاش شد که مشکلات روحی برای آنها ایجاد نشود و همچنین سعی شد در طول مصاحبه نگاه ما به آنها دوستانه باشد و این اطمینان خاطر به آنها داده شود که هدف از تحقیق نه برچسب‌زنی یا سرزنش آنها بلکه ایجاد ارتباط با آنان و بیان تجربیات تلخ آنها جهت آگاه‌سازی نهادهای ذی‌ربط، ساخت فرهنگی حاکم بر جامعه و تجدیدنظر در نحوه واکنش همه ارگان‌های اجتماع به این قشر می‌باشد.

منابع

- استراوس، آنسلم و کوربین، جودیت. (۱۳۹۰)، اصول روش پژوهش کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جودیت. (۱۳۹۴)، مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نی.
- احمدی، حبیب؛ خواجه‌نوری، بیژن و موسوی، مجید. (۱۳۹۲)، عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۳: ۱۰۵-۱۲۲.
- انصاری نژاد، نصرالله. (۱۳۹۱) تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵: ۳۶۵-۳۸۶.
- اسکندری چراتی، آذر. (۱۳۹۶) بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، سال ۱۳ شماره ۳۴: ۱۸۵-۲۰۶.
- استانداری لرستان. (۱۳۹۸) شناسنامه اجتماعی و فرهنگی استان لرستان: دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری لرستان.
- آریا، مهشید. (۱۳۹۵)، بررسی آثار تربیتی کانون اصلاح و تربیت بر کودکان و نوجوانان بزهکار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پور سینا، محمد؛ زهرا کار، کیانوش؛ کیامنش، علی‌رضا و محسن زاده، فرشاد (۱۳۹۷) مدل مفهومی عوامل روانی-اجتماعی زمینه‌ساز ارتکاب جرم، ارائه یک مطالعه داده بنیاد، دو فصلنامه جامعه‌شناسی معاصر، سال هفتم، شماره ۱۳: ۱۵۱-۱۸۱.
- ترکاری، مجتبی و حق‌ندری، ایرج. (۱۳۹۳)، بررسی فرازوفروود سرمایه اجتماعی در لرستان با استفاده از تحلیل ثانویه پیمایش‌های اخیر، کتاب مسائل اجتماعی استان لرستان، دفتر رصد مسائل اجتماعی وزارت کشور.
- حسونند، احسان. (۱۳۹۰)، بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۲: ۲۱-۳۶.
- حیدری، اسدالله. (۱۳۹۴)، شناسایی ۶۰۰ کودک کار لرستان، ۲۵ دی ۱۳۹۴ خبرگزاری ایسنا www.isna.ir برگرفته شده در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۹.

- راینگتون، ارل و وایتبرگ، مارتین. (۱۳۸۳)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه: رحمت‌الله صدیق سروستانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- روان‌بخش، محمدحسین. (۱۳۸۵)، خانواده و رفتارهای نابهنجار نوجوانان، پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، سال اول، شماره ۳-۲: ۱۵-۲۷.
- ساکی، ماندانا و همکاران. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر بر بزهکاری در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر خرم‌آباد، یافته، سال یازدهم، شماره ۲: ۱۳-۲۲.
- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۰)، بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲: ۵۵-۷۶.
- شامیاتی، هومن. (۱۳۸۹)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات مجد.
- عبدالمهدی، حمید. (۱۳۸۴)، چهارصد هزار زندانی نوجوان، نشریه صاحب قلم، شماره ۷۵: ۲-۵.
- علیوردی نیا، اکبر. (۱۳۸۸)، اثربخشی برنامه‌های معتادان گمنام در نگرش معتادان به مواد مخدر، مطالعات اجتماعی ایران، سال سوم شماره ۳: ۱-۴۷.
- غفاری، داریوش و مرادی، علی. (۱۳۹۵)، عوامل مرتبط با بزهکاری نوجوانان با تأکید بر نقش خانواده در شهر کرمانشاه، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، دوره ۹، شماره ۳۳: ۱۱۳-۱۳۹.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۵)، روش تحقیق در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه بر پایه» (گراندد تیوری)، تهران: نشر آگاه.
- فلیک، اوه. (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ سیفی، علیرضا و مشتاق، روشنگر. (۱۳۹۱)، سهم ساختار و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر تهران (مطالعه موردی: ۵ منطقه حاشیه‌نشین) فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم شماره ۴: ۵۶-۷۲.
- دالوند، حسین و خادمی فر، محمد. (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر خرم‌آباد، اولین همایش ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی: ۱-۲۷.
- زمانی مقدم، مسعود و حسونندی، صبا. (۱۳۹۸)، مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان خانه‌دار در شهر خرم‌آباد، زن و جامعه، سال دهم، شماره ۳: ۱۴۵-۱۷۰.

- قدم پور، عزت؛ میردریگوند، فضل‌الله و مرادی زاده، سیروس. (۱۳۹۸)، مقایسه هوش معنوی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی نوجوانان بزهکار و عادی، نشریه اسلام و سلامت، سال چهارم، شماره ۲: ۱۴-۲۴.
- کرد علی وند، سهیلا و مبارکی، محمد. (۱۳۹۷)، بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان (مطالعه تطبیقی میان دانش آموزان مقطع متوسطه شهرهای خرم‌آباد و یزد)، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال هفتم، شماره ۱۳: ۱-۳۶.
- گلچین، مسعود. (۱۳۸۵)، انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها، نامه علوم اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۲۸: ۱۲۴-۱۸۵.
- لوزیک، دانیلین. (۱۳۹۴)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، مترجم: سعید معیدفر، چاپ ششم، انتشارات امیر کبیر.
- مبارکی، محمد؛ افشانی، علیرضا و کردعلیوند، سهیلا. (۱۳۹۷)، تحلیل رابطه بین تعهد اجتماعی و بزهکاری (مطالعه مقایسه‌ای میان دانش آموزان مقطع متوسطه شهرهای خرم‌آباد و یزد)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۲: ۱۱۱-۱۳۵.
- محبی، سلیمان؛ زنجانی، حبیب‌الله و ساروخانی، باقر. (۱۳۹۵) مطالعه جامعه‌شناختی استفاده از فضای مجازی و تأثیر آن بر کجروی اجتماعی در بین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۴-۹۵، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دهم، شماره ۴: ۳۳-۵۸.
- محمد پور، احمد. (۱۳۸۸)، بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای: مطالعه موردی ایلات منگور و گورک، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۳۰۹-۳۳۰.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضد روش، مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.
- مظفری، محمد مهدی؛ روشن قیاس، کلثوم و بلباسی، محرمعلی. (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۱: ۹۶-۱۱۶.

- Andrea Müller-Fabiana. (2016). Juvenile Delinquency: Is Society to Blame? *the European proceedings of social behavioural sciences, epsbs*,4(3),12-49.
- Mike S Adams 1, Craig T Robertson, Phyllis Gray-Ray, Melvin C Ray. (2003). Labeling and Delinquency, *Adolescence*, 38(149),171-86.
- Andrea Müller-Fabiana. (2016). Juvenile Delinquency: Is Society to Blame? *the European proceedings of social behavioral sciences, epsbs*, 12-49.
- Cohen, Albert. (1955). *Delinquency Boys, The culture of the New York gang*: The Free Press.
- Corbin, juliet. & Strauss, Anselm. (2015). *Basics of Qualitative Research*, London: Sage.
- Glaser,Barney & Strauss,Anselm. (1967). *Discovery of Grounded Theory*, Transaction Publishers.
- Horton, Paul, B & Hunt, Chester, L. (1984). *Sociology*. Singapore, McGraw-Hill, 6th Edition.
- Ige,K,D. (2014).The Absolute-Relative Deprivation Dichotomy in Estimating Variations in *Reaction to Inequality*: Comparing Antecedents of Collective Action.
- Ingram, Jason R, Justin W. Patchin, Beth M. Huebner; John D. McCluskey, Timothy S. Bynum. (2007).Parents, Friends, and Serious Delinquency: An Examination of Direct and Indirect Effects among At-RiskEarly, *Adolescents.Criminal Justice Review*,32(4),21-45.
- Spencer De Li. (2004). The Impacts of Self-Control and Social Bonds on Juvenile Delinquency, *National Sample of Midadolescents Deviant Behavior*,25(4),75-98.
- Lee, George. (1998). Social Structure and Social Learning in Adolescent Delinquency and Substance Use: A Test of the Mediating Process of Social Learning Theory, Ph.D. Dissertation, University of Florida 18.
- Ritamoni Das. (2018).A Study On Parents Awareness Toward Juvenile Delinquency, *Scholarly Research Journal for Humanity Science & English Language*, Online ISSN 2348-3083.
- Sutherland, Edwin.H., Cressey, Donald.R., Luckenbill, David.F. (1992). *Principles of Criminology*, DixHill, NY: General Hall.